

بازگشت



مشمولین متولد ۱۳۲۷-۱۳۲۸ برای ثبت نام در دانشگاه احتیاج بپرك معافی ندارند - فارغ التحصیلان سال ۴۶ - ۴۷ بدون پرك معافی میتوانند در دانشگاه اسم بنویسند - مشمولینی که کفالت پزشکی کفالت ، تحصیلی دارند حق ثبت نام ندارند

پیش آمدهای ناشی از بی‌مبالاتی

هنگامیکه کودکی درحوض آب خفه میشود ، از پلکان سقوط می‌کند ، شیشه نفت را بجای آب نوشد ، دچار سوختگی ، برق بزند ، یا هر سانحه دیگری می‌گردد میگویند سرنوشتهش چنون بوده و یا با قضا و قدر نمی‌توان چنگید حال آنکه هر تصادفی تصادف محض نیست و اگر قدری واقع بینانه تر ببینیم متوجه میشویم که اغلب این پیش آمدهها بر اثر غفلت و بی‌فکری و لاقیدی پدران و مادران بوجود می‌آید

در حقیقت مادریکه کبریت بچه قرص ، شیشه بنزین و سایر لوازم و اشیاء خطرناک را در دسترس کودکان نگه‌داری نمی‌کند بدست خود سرنوشته آنان را رقم زده است و حق ندارد گناه بگذارد

در همین چند هفته اخیر چه بر حسب دلسوزی کودکانی که بخاطر چیدن چند توت از درخت سقوط کردند برای همیشه افلیج و زمین گیر شدند

یا بر اثر سوختگی از آب و آتش مردند

جالب اینجاست که بیشتر مردم منزل را محیطی امن میدانند در صورتیکه يك از بچه‌هایی که در اثر حوادث در قربانی تصادفات هستند منزل بوقوع می‌پیوندد

بهر حال يك تا شش‌ساعه بعد از وقوع حوادث هرگز از دست خدا نیست میتوانیم روز بسیاری از پیش آمدههای او جلوگیری نمائیم



آقای هویدا نخست وزیر مدت پنج ساعت از قسمتهای مختلف شهر بانی کل کشور دیدن نمودند در این عکس آقای هویدا هنگام بازدید از زندان زنان دیده میشوند در حالیکه یکی از زندانیان مشغول آموختن فن ماشین نویسی است

● چون در سال های گذشته از لحاظ ثبت نام دانشجویان در دانشگاه ها و مدارس عالی برای مشمولین ابوابی وجود داشت لذا کمیسیون در منطقه وظیفه تهران با حضور نماینده دانشگاه تهران تشکیل گردید و برای ثبت نام مشمولین در دانشگاهها و مدارس عالی تصمیمات زیر اتخاذ گردید که در مواقع ثبت نام برای مشمولین جای هیچ گونه ابهامی باقی نماند

۱- کلمه مشمولین در بیلگه متولد ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ که جهت ثبت نام دانشگاههای تهران مراجعه میکنند احتیاج به پرك آماده خدمت یا برگهای معافیت عمومی را ندارند

۲- کلمه فارغ التحصیلان دیواره ۴۶ و ۴۷ که در خرداد ماه ۴۷ موقتاً باخذ دیواره شده اند احتیاج به پرك آماده خدمت یا برگهای معافیت وظیفه عمومی را نداشته و میتوانند در دانشگاه ثبت نام کنند

بقیه در صفحه ۲

چهار میلیون نفر در انتخابات انجمن شهر شرکت میکنند چاپ کارت های اکتراال پایان رسیده است



● چهار میلیون نفر از مردم کشور در انتخابات انجمن شهر شرکت میکنند از این عده حدود يك میلیون و دویست هزار نفر در تهران رای خواهند داد چاپ کارت اکتراال و اوراق رای تقریباً پایان یافته است و روز شنبه اوراق مزبور برای استان آذربایجان ارسال خواهد شد سپس کارت اکتراال و رای تهران به فرمانداری تهران ارسال میگردد

يك مقام مطلع دیروز گفت: حمل کارت اکتراال و اوراق رای به تمام واحه ایران حدود ۵ تا ۲۰ روز طول می‌انجامد و پس از آن دستور انتخابات انجمن های شهر از طرف وزیر کشور صادر خواهد شد

آئین نامه اجرائی انتخابات انجمن شهر که به تصویب وزیر کشور رسیده است جهت اطلاع برای کلمه فرماندارها ارسال شده است و فرمانداران باید طبق این آئین نامه انتخابات انجمن شهر را انجام دهند

حراج بزرگ در سوپر ممتاز

مشروح در صفحه دوم

ش ۷۲۹

گوشه‌ای از سمینار روسا و مدیران کل اطلاعات و رادیوی استانها در وزارت اطلاعات در این عکس آقای منصور وزیر اطلاعات در حال سخنرانی دیده می‌شوند

تهران - کتابخانه و مجله مجلس شورای اسلامی

تبع واقع رف ادگاه تقاضا یدگی رسمی محلی ش ۷۵۵

دل ش ۴۸۸

ش ۴ شماره

در جلسه انجمن قلم چه گذشت؟

بطوریکه در شماره گذشته درج شد ساعت ۷ بهادان ظهر روز ۲ شنبه در حضور آقای پورنوا استنادار خراسان و آقای دکتر خزائلی نماینده مجلس و آقای صهباشاعر ارجمند خراسانی که نمایندگان مجلس شورای انجمن قلم تهران هستند و اخیراً به منظور تجدید انتخابات انجمن قلم مشهد آمده اند جلسه ای در باغ ملک آباد تشکیل گردید در این جلسه بنا بر دعوت آقای استنادار

عده ای اهل قلم و شخصیت های علمی و ادبی خراسان شرکت داشتند در آغاز این جلسه سلام شایسته ای بواخته شد و آنگاه آقای استنادار مطالبی باین شرح ایراد نمودند . در این جلسه که آقایان استنادار و دانشمندان و نویسندگان حضور دارند بسیار مشکل است که بنده بتوانم صحبتی بکنم . چون من اهل قلم نیستم ولی دوستدار قلم و آثار علمی و ادبی می باشم و هرگاه برای اینجانب فرصتی فراهم شود این فرصت را صرف مطالعه و استفاده از آثار بزرگان علم و ادب می کنم . آقای پورنوا سپس گفتند ، تشکیل انجمن قلم در خراسان با توجه بسابقه علمی و ادبی در این استان از ضروریات است . مخصوصاً اکنون که به موازات انقلاب همه جا به یکباره در کله شئون اداری و کشور پیشرفت می خورد و ممالع است .

در خراسان که مهد علم و ادب می باشد و شعرا و نویسندگان و دانشمندی چون فردوسی طوسی و دیگران از این سرزمین برخاسته اند انجمن قلم نیز در خراسان تشکیل شود و با پشتکار و علاقه مندی عموم نویسندگان و دانشمندان کوشش های همه جانبه ای که درخور مقام ادبی و تاریخی باشد بعمل آید ، در زندگی اقوام و ملل عواملی چشم می خورد که آن عوامل موجب پیشرفت و ترقی و تعالی علمی یا اجتماعی می شود ، یکی از این عوامل مؤثر به عقیده اینجانب ادبیات است که فوق العاده در ررحه اقوام و ملل جهان تأثیر داشته است . آقای استنادار سپس اضافه نمودند ، وظیفه و سهم ادبیات نباید در حلقه اول روان سازی افراد باشد .

این وظیفه بعهده نویسندگان و دستداران ادب و ادبیات است که با محبت و همکاری و هماهنگی و مساعی و کوشش خود رادر راه تفویز افکار عمومی و تهنیب و تلمیح اخلاق اجتماعی بکار برند با امکاناتی که تحت رهبری های خردمندان شاهنشاه آریامهر در کشور ما برای اشاعه و توسعه علوم مختلف فراهم آمده است . استنادار انجمن قلم در خراسان بهمت اساتید محترم و دستداران فضل و ادب کوشش خود را آغاز نمایند و اثرات آن کوششها بزودی چشم و دل دستداران ادبیات را روشن نمایند .

آقای پورنوا در پایان افزودند ، آقایان دکتر خزائلی و صهباشاعر نامی خراسان اعضا انجمن قلم در مرکز در این مجلس حضور دارند و اطلاعات لازم را در مورد برنامه انجمن با اطلاع آقایان خواهند رسانید . سپس آقای صهباشاعر پشت میگردون لرار گرفتند و طی مطالبی هدف از تشکیل انجمن قلم ملی قلم را بیان نمودند .

ایشان متذکر شدند که ریاست فعلی انجمن قلم ملی قلم در مرکز جناب آقای دکتر البسال که واجد شخصیت ممتاز علمی می باشند دارا بوده و دهر کل آقایان را با هم دیدیم رهنما نویسنده معروف و دانشمند می باشند که کتاب پیام ایشان ۱۹ مرتبه چاپ رسیده و زبانهای مختلف ترجمه شده است .

آقای صهباشاعر از خدمات ذیقیمت جناب آقای هریس نخست وزیر با انجمن قلم شرحی بیان داشتند و بمناسبت مجلس لطمه از اشعار سروده خودشان را ارائه کردند . آقای صهباشاعر در پایان آقای پورنوا را به

آموزشگاه پرستاری جرجانی

توسعه می یابد

بهروی از منویات شاهنشاه آریامهر و ارادگی که جهت توسعه آموزشگاه پرستاری جرجانی صادر فرمودند مطالعاتی برای افزایش تعداد دانشجویان و توسعه آموزشگاه جرجانی از طرف آقای پورنوا استنادار خراسان و آقای دکتر امینی مدیر کل بهداری آغاز گردید سخنگوی بهداری خراسان در این زمینه بخیرنگار ما اظهار داشت .

با مطالعاتی که صورت پذیرفت طرح توسعه آموزشگاه و ایجاد خوابگاههای تازه برای دانشجویان و همچنین افزایش تعداد مربیان و دانشجویان تهیه گردید و بزودی اقدامات اساسی در مورد عملی ساختن پروژه های مزبور آغاز خواهد گردید .

آموزشگاه جرجانی امسال ۴۰ نفر دانشجو خواهد پذیرفت و در سه سال آینده این تعداد به ۶۰ نفر بالغ خواهد شد داوطلبان میتوانند همه روز برای نام اویسی امتحانات ورودی بسادرسد داشته مدارک لازم با آموزشگاه جرجانی مراجعه نمایند .

درگذشت و مجلس تر حیم

بمناسبت درگذشت مادر آقای احمد شهنواز شاعر خراسانی مجلس ختمی از ساعت ۴ بهادان ظهر روز چهارشنبه در مسجد حاج ملا هاشم منعقد بود که در آن گروهی از روحانیون و سادات رضوی و کارمندان و خدمه استاذ قدس رضوی و جمعی از فضلا و ادبا و روزنامه نگاران شرکت نمودند و بهازماندگان آن مرحومه بخصوص آقای احمد شهنواز تسلیت گفتند خراسان - مصیبت وارده را بهازماندگان آمرحوم خصوصاً آقای احمد شهنواز تسلیت میگوئیم

اقدامات جوانان کشاورز شانهز

سخنگوی اداره کل کشاورزی و عمران خراسان امروز بخیرنگار ما اظهار داشت بمنظور تعلیم جوانان کشاورز شانهز از دو ماه قبل بسایه ظرف استفاده از ماشینهای جوچه کشی شروع گردید و طی این مدت در مرحله جوچه کشی توسط کشاورزان خردسال عملی شد و در تمام مراحل از بکار انداختن ماشینها انتخاب تخم مرغ - مراقبت از حرارت و رطوبت - مواظبت از جوچهها را شخصاً خود روستازادگان انجام میدهند .

این برنامهها زیر نظر مروجه کشاورزی در تمام دهات - لاسبات و شهرستاهای ادامه دارد

کشیك داروخانه ها

بما باظهار سخنگوی بهداری کل خراسان امشب داروخانه سمدی واقع در خیابان عشرت آباد و داروخانه اردیبهشت واقع در خیابان تهران عهد دارکشك شماه می باشند ضمناً طهیب کشیك و بخش تزریقات درها انگاه رازی در تمام وقت آماده کمک بیماران میباشند

نمایندگی از طرف اعضاء انجمن قلم مرکز سمت ریاست انجمن قلم خراسان بهشهاد کردند . این بهشهاد با اکثریت آراء مورد بررسی قرار گرفت و آقای پورنوا ریاست انجمن قلم استان خراسان انتخاب شدند .

پس از سخنان آقای صهباشاعر آقای دکتر خزائلی توضیحات لازم و مبسوطی از تاریخ انجمن قلم در مرکز و جنبه جهانی و به آن اطلاع حاضران رسانیدند و افزودند آقای پورنوا استنادار خراسان که از خاندان علم و ادب ایران می باشند مسلماً در خراسان که مهد علم و ادب است موافق خواهند شد مانند سایر کارها و اقدامات درخشان خودشان در امر انجمن قلم خراسان نیز فعالیت های ارزنده ای معمول دارند و ما به حق انتخاب را با اکثریت همگویی و از این که این مسئولیت را قبول فرمودند تشکر می کنیم

آنگاه برای انتخاب هیئت رئیسه انجمن قلم و اولیاء اخذ رای بعمل آمد نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد

آقایان دکتر علی اکبر فواض استنادار استگاه دکتر اسدالله بهکی رئیس دانشگاه و سمت نواب رئیس و آقایان کبیری و بهادری سمت دیو خزانداد انجمن قلم خراسان تعیین شدند

مشمولین متولد

۳- مشمولین متولد ۱۳۱۲ الی ۱۳۲۶ که قبل از سال ۳۴۶ و ۳۷ تاریخ تحصیل شده اند برگ آماده بخدمت دریافت داشته اند و بدون عذر موجه در لرحه کشی های مهرماه ۳۶ شرکت ننموده اند حق ثبت نام در دانشگاه را ندارند

۴- مشمولینی که در سال ۳۴۶ و ۳۷ از ۴ دیپلمه شده اند و وضع وظیفه خود را روشن ننموده اند حق ثبت نام در دانشگاهها را ندارند

۵- مشمولینی که برگ معاملات وظیفه (پزشکی، کفالت تحصیلی) دارند حق ثبت نام در دانشگاهها و مدارس عالی را ندارند

۶- مشمولینی که دارای معاملات موالت بوده و موعد آن خاتمه پذیرفته است میتوانند فقط برای یکبار در دانشگاه ثبت نام کنند

چنانچه برگهای معاملات منقضی شده باشد و یا بخواهند برای بار دوم ثبت نام کنند حق ثبت نام را ندارند این لجهل مشمولین تا بهشت شهریور ماه ۱۳۴۷ بجزه های مربوط مراجعه و وضع وظیفه خود را روشن نمایند

۷- مشمولینی که در سال

امروز وزیر کشاورزی بهمشهد

بقرار آخرین اطلاع آقای دکتر زاهدی وزیر در صورت مساعد بودن هوا ساعت ۸/۵ بهادان مشهد خواهند شد و بهادان ظهر امروز وسایل مخصوص کشاورزی مکانیزه و طرز عمل مبارزه با ملخ در دسترس یازدین خواهند نمود

قیمت طلا افزایش یافت

قیمت طلا در بازارهای اروپا دوباره افزایش در لندن قیمت هر اونس طلا سی شست نسبت صعود کرد و به ۳۹۰۴۰ دلار رسید

تلویزیون رضائیه بکار

● تلویزیون رضائیه بطور آزمایشی بکار افتاد و مردم رضائیه در جاسوی فروشگاههای دارنده تلویزیون به تماشای برنامه های آن پرداختند .

دکتر کهانور استنادار آذربایجان غریب دستور داد خریداران تلویزیون سالهاه مبلغ ۱۲۰ تومان بتوان عوارض شهرداری بطور یکجا به شهرداری بپردازند طبق این دستور فروشندگان تلویزیون قرار کردند .

خروج

بطوریکه خبرنگار ما اطلاع مودت گذشته آقای مهندس شهرستانی مدیر عامل منطقه خراسان بمنظور اجرای امور اداری تهران عزیمت نمودند



آقای ... دانش آموز کلاس اول ...

آقای ... از شهر ...

آقای ... در ...

آقای ... در ...

آقای ... در ...

آقای ... در ...

آقای ... در ...

آقای ... در ...

آقای ... در ...

آقای ... در ...

آقای ... در ...

در دو سال
را
ای شبکه
بند
راحتی از
مدلی که
بدن هرگز
آلای محض را
وز کلاس اول
وال تربیت با
ل را حاشی
ش
ز شهرت
خدمت و با
در بافت
من و بر
های تهران
ی موفقی
لی برای این
ر و پرونده
هان میانه
مافوت تحصی
اعلام دار
بعلاوه این
دور کارت
ولونی که در
و ۴۸ در
اما بند

از زمین تا ماه

نیروی جاذبه چیست

اغلب بدهاند که آهن و آهن را یکدیگر را جذب می کنند این نیروی جاذبه را نیروی مغناطیسی مینامند . اما نه تنها آهن و آهن را بلکه تمام اجسام عالم یکدیگر را جذب می کنند . نیروی کشش بین اجسام را نیروی جاذبه میگویند بی تردید نیروی جاذبه همان اجسام کوچک و بزرگ است . زیرا اگر چه سویی یکدیگر کشیده میشوند اما اینحال نیروی جاذبه آنها بسیار ضعیف است هر چه جرم اجسام زیادتر باشد نیروی جاذبه میان آنها بیشتر است . اندازه اجسام آسمانی بسیار بزرگ است و با آنکه فواصل عظیمی آنها را از یکدیگر جدا میسازد معذالک با نیروی بسیار زیادی یکدیگر را جذب می کنند . نیروی جاذبه اجسام سماوی در هر فاصله ای احساس میشود هر چند مقدار آن متناسب با افزایش فاصله آن اجسام رو بکاهش میرود . فاصله زمین تا ماه ۳۸۴۰۰۰ کیلومتر است اما نیروی جاذبه ماه را با اطمینان بیشتر از ماهواره کابل ولادی که آن بسته شده باشد در مجاورت زمین نگه میدارد . همین جهت است که ماه نمیتواند در فضا پرواز کند و ناگزیر است در مدار دور زمین بچرخد . چون ماه دنباله روز زمین است لاجل از تمام ستارگان آسمان مورد مطالعه قرار میگیرد . فاصله زمین تا ماه یعنی ۳۸۴۰۰۰ کیلومتر مسافت بسیار زیادی است امروز هواپیماها در بعضی از خطوط هوایی با سرعت ۱۰۰۰ کیلومتر در ساعت پرواز می کنند و انجام مسافت از زمین تا ماه برای آنها بسیار ساده خواهد بود . مسافت از زمین تا ماه با سرعت ساعتی هزار کیلومتر ۳۸۴ ساعت یا ۱۶ شبانه روز طول خواهد کشید . فقط هواپیما باید بقدر کافی سوخت و آب و غذا برای رسیدن به ماه و بازگشت از آن شماره زمین را همراه داشته باشد البته بشر فقط با موشک میتواند به فضایی که توان پرواز کند زیرا تنها موشک قادر بر خشی کردن نیروی جاذبه زمین است . حال بهنوعی نیروی جاذبه چیست اگر در اطراف خود هوا بپاشید در مدت کمتر از یک ثانیه از زمین باز خواهد گشت و ورزشکار وزلهای را پرتاب میکند . وزنه مسیری که آنی شکل در هوا بپاشد و در فاصله چند متر از زمین می افتد چه در طبقه هوای سوسی زمین کشیده میشود . زمانی بود که مردم می بیند اشکند شکست زانچور جاذبه امکان پذیر است در حدود هشتاد سال پیش فلانماریون اختر شناس معروف فرانسوی ، کلمات تلخ و ناگواری درباره مریخ نوشت ، او می گفت : مریخ دنیای جدیدی است که پای هیچ کس نیست کله می هرگز بدان نخواهد رسید اما در همان زمان اندیشه مقرر با موشک و خاطر لیکلای کوهالوشش روسی رسیده بود ، در سال ۱۸۸۱ ویرا با تمام شرکت در توطئه بر ضد الکساندر دوم پسرک محکوم کرد که کوهالوشش در روزهای آخر عمر خود در زندان درباره یک رشته از مسائل علمی اندیشید و در همان موقع بود که نقشه موشکی را کشید و شرحی درباره آن نوشت . عمال تزار پس از اعدام کوهالوشش این نقشه را در پایبانی گزارشهای دولتی نگه داشتند و هر چه کسی

آنها تا انقلاب اکتبر ندید . برخی تصور می کنند که موشک با نیروی خود را بجا می کشاند اما این تصور درست نیست . هواپیما ضعیف و از روی هوا آرامی گیرد اما مقاومت هوا مانع پرواز موشک است . و اروت با سوخت دیگری در موشک محترق میشود و گازی بوجود می آورد که از پشت موشک خارج میگردد و موشک را بجا می ماند . این اصول کار نیروی ششقه است و البته میدانند که امروز هواپیماهایی وجود دارد که با موتورهای ششقه ای کار می کنند و میتوانند در ارتفاعات بسیار با سرعت زیاد پرواز نمایند . یکی از دانشمندان برجسته روس بنام کنستانتین تسولکوواسکی تمام عمر خود را وقف مطالعه و امکان مسافرت میان سوارات نمود . در سال ۱۹۰۳ برای نخستین بار نقشه ها و حسابات کشتی موشکی را برای سفر میان سواران منتشر ساخت . بعدها موشک چند مرحله ای را طرح کرد که موشک استی پرواز جاذبه زمین فائق آید این موشک از چند قسمت یا مرحله ساخته میشود . نخست سوخت مرحله اول محترق می گشت و موشک را با سرعتی که اوق اعاده زیاد نبود هوا پرتاب میکرد این مرحله پس از اتمام سوختش از زمین می افتاد و پس مرحله دوم شروع بکار می کرد و سرعت موشک را که در این حال سبک تر شده بود افزایش میداد . پس از جدا شدن این مرحله و سقوط آن از زمین کار مرحله سوم آغاز میشد و موشک با سرعت بسیار می آورد سرعت آخرین مرحله موشک بعدی میسرود که دیگر زمین باز نمی گشت . این دانشمند ثابت کرده بود که موشک قطعا سرعت زیادی می تواند نیروی جاذبه را خنثی نماید . کسی که هوا بپاشد از زمین بزمی گردد وزنه پس از پرتاب شدن از زمین سقوط می کند و قطعات گلوله منفجر شده یا آکنده گشته از زمین می افتد . علت سقوط این اشیاء چیست؟ علت آنست که سرعت آنها برای خنثی کردن نیروی جاذبه زمین کافی نیست اما بخاطر داشته باشید که هر کس سنگی پرتاب کند یا یک تادو متر پرتاب کند و وزنه در حدود ده تا بیست متر پرتاب میشود و گلوله توپ با ارتفاع چند کیلومتر میرسد زیرا سرعت گلوله چندین برابر سرعت وزنه است . گلوله توپ های دورزن با سرعت تقریباً دو کیلومتر در ثانیه از دهانه گلوله آنها خارج می شود و این سرعت استقامت است و این سرعت میتوان در مدت تقریباً پنج دقیقه مسافت زیادی را پیمود . و اینحال این سرعت هنوز کافی نیست که گلوله توپ بتواند نیروی جاذبه زمین را خنثی کند و فضایی که توان پرواز نماید بلکه مسیر کمانی شکل عظیمی را در هوا می پیماید و دوباره از زمین می افتد . طبق محاسبات تسولکوواسکی اگر سرعت موشکی هشت کیلومتر در ثانیه برسد دیگر از زمین باز نخواهد گشت بلکه به دور زمین خواهد چرخید و بصورت امر مصنوعی زمین در خواهد آمد این موشک اسهوتنیک شوروی با همین سرعت پرتاب شد چون موشک که با سرعت هشت کیلومتر در ثانیه بقضا پرتاب می گردد دور زمین می چرخد و حوزه جاذبه آنرا ترک نمیکند لذا این سرعت را سرعت دورانی مینامند . اگر سرعت ۱۱٫۲ کیلومتر در ثانیه برسد از حوزه جاذبه زمین دور خواهد شد و بر حسب جهتی که هنگام پرتاب با آن داده میشود از زمین جدا خواهد شد و مریخ را خواهد رسید این سرعت را سرعت گریز مینامند . نخستین موشکی که به منظور مسیریابی در تاریخ دوم ژانویه سال ۱۹۵۹ از اتحاد شوروی سوسی ماه فرستاده شد از مجاورت آن کره ای آسمانی گذشته و بصورت یکی از سوارات خورشید در آمد و بدین ترتیب بشر برای اولین بار سوارهای مصنوعی سوارات خورشید اضافه کرد

روزنامه خراسان

آبونمان یکساله داخله	۶۰۰ ریال
شش ماهه	۳۰۰
سه ماهه	۱۷۵
خارجی یکساله	۹۰۰ ریال

تکفروشی در تمام کشور دو ریال و نیم

سوپر مرغ

تیرین مرغ برکنده
عالی ترین تخم مرغ
روزگلی و جسنی



پشیر صنعت نوین
مرغاری در خراسان

جسار راه خسروی - ابتدا احاطی تلفن ۸۱۲۳
ش ۴۰۲

کالای الکترو برق

برادران حسینی

والیع در مشهد اول خیابان طوسی پادشاه شهید است
تأمین می کند . تلفن: ۹۰۰۳۴ ش ۵۱۸۱

آگهی احضار

۲۳۶/الف

بغیر نظامی دادخدا فرزند غلام شهرت شاهیزائی که محل اقامت او قلعه کهری از توابع زورآباد بوده و فعلاً مجهول المکان است ابلاغ میگردد که با تمام حمل واحفاء اسلحه ومهمات ارتش در دادگاه تجدید نظر ۲۰۱ ارتش دوم واقع در مشهد تحت تعقیب میباشد لازم است ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی خود را بدادگاه معرفی نمایند در صورت عدم حضور وانقضای مهلت مقرر دادگاه غیاباً بپرونده امر رسیدگی وحکم مقتضی صادر خواهد نمود این آگهی سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی کشور و یکی از جراید کثیر الاشاره محلی درج میگردد ش ۷۵۵ رئیس دادگاه تجدید نظر ۲۰۱ ارتش دوم مقیم مشهد

کاملان فنی

سازنده انواع اشکاف، میز تحریر، لوازم آشپزخانه و سایر لوازم طبی و واسائل مدرن ش ۳

کافه تریای دیاموند

افتتاح میشود ش ۴

شماره صفحه ۱۳

مش هفت

و با دوباره افزایش
نسبت نسبت
رضائیه بکار

من مجبورند برای
لویزیون از شهر دار
کسب در ریات نماید
زیرا شهر
خواهد کرد
باهالی فرخته شی
تعمیرگاه مجهز
می باشند
هم اکنون
راسا انعام از
دستگاه تلویزیون
که قرار است
ماه در اختیار بگیر
قرار گردد

وج

رما اطلاع مودت
رستایی مدیر عابد
جرای امور اداری

۴۲۵

آخرین دیدار

در این مدت شما چه گذشت و چه ساعت
وحشتناکی را گذرانیدید؟

خاتم، حتی از یسار آوری آهم بر خود
می لرزیدم.

ولی با این همه سعی می کردم بر درد و رنج خود
لائق شوم و حتی القه و در باره هر چه موضوعی
لکری کنم.

از آن پس مردم عادت کرده بودند که هر
روز غروب نزد من می آمدند و در باره محاکمه و دادگاه
سخن می گفتند.

گاهی بنظرم می رسید که خواب می بینم و
می بینم که از این اتفاقات حقیقت نداشته است
... تا آنکه یک شب ناگهان از خواب پریدم
احساس کردم ساعت پایان کار نزدیک است.

خودم هم می دانم چرا این احساس در دلم
پیدا شده بود!

آوقات لرز کردم.
چنان شدت می لرزیدم که نتوانستم تکلم
و خوردن. پدای مثل مرده بیخ کرده بود.

صبح روز بعد تصمیم گرفتم به راحتی که هست
اطلاع پیدا کنم که حکم چه روزی اجرا خواهد شد
لای از تاریخ لطیفی آن آگاه شدم دیگر وجود خودم
احس نمی کردم.

تمام استخوان هایم می لرزید و تمام ذرات
دام درد می کرد و می سوخت.

مثل کسی که دچار کپوس شده باشد به منزل
مدم. آن شب چه شب وحشتناکی بر من گذشت!
تل ایچ بود که مرا با بدن عربان بر روی زمین که
شده از تیغ است می کشیدند دندان هایم لای قطع
می خورد و دست ها و سرم با حرکت ای اراده
نان می خورد.

از سردای آروزکاری جزایب نداشتم که
بج بایستگاه راه آهن روم و تا اومه شب انتظار
و در قطار پاریس را کشم.

تنها و آخری امهدم بازگشت آرای روزینار
د. عالیبت یک شب او همراه دو نفر از معاونینش
بد و از قطار پیاده شد.

هر سه نفر پالتوی خاکستری رنگ پوشیده
دند و کلاه ملون بر سر داشتند.

وقتی جلو رفتم از آنجا آنها او همدم که
بد و انتظارم چه پیاده شده است.
ساعت هفت و بعد از ظهر بود.

من هاری راصبح دو روز قبل دیده بودم
ایستی برای دیدار مجدد او دو روز دیگر صبر
کردم در حالیکه می دانستم آن شب آخری شب
نگالی اوست و نمی توانستم با خداحالی نکرده
ایش آتم.

در عین حال خوب می دانستم که در روز دیدار
ن ساعاتی که برای ملاقات معین شده غیب می کند
ت. اما چون مسو و بللو رئیس زندان را خوب
شناختم امهدوار بودم و بتوانم بیکماری دیگر پس
اوم را ببینم.

و خودم گفتم:
شاید او که می کند اجازه این ملاقات را
بد. وقتی وارد اطاق غذاخوری مسو و بللو شدم
چه چیزهای کوچک و احمقانه ای در خاطر انسان
اند چشم در روی من نظرف سالاد افتاد که در
گوجه فرنگی بود.

مسو و بللو در کنار من و سرزادش مشغول
دن شام بود.

همانطور که سراپا ایستادم ای آنکه بتوانم
کلمه بر زبان آورم زدم بگریه، او می دانست
صبح روز بعد چه بر سرم خواهد آمد.

همین علت اورسود برای چه گریه می کنم
عالیبت تمام لوازم را جمع کرد و گفتم:

مسو و بللو می خواهم بیکماری دیگر بر سرم را ببینم
او همانطور که مشغول خوردن غذا بود گفت:
غیرممکن است خاتم!

اگر چنین اجازه می دهم منصرف خواهند کرد
اما وقتی اشک های مرا دید و آله هایم را شنید و
توانست بفهمد که در آنشی مسوزم و چطور عاجز و درمانده
شده ام دلش برحم آمد و گفت:
پسوار خوب؟

وقتی من برای بازدید زندان می روم می توانم همراهم
بیاورم و در حال عبور از مقابل در سلول او نظری نگاه کنم
خداحالی کنه.

*** **

پدای او وارد راهرو باریک و دراز زندان شدم.
عمارت زندان یکی از عمارت های قدیمی بود و شبها خیلی
تاریک بود.

بطوریکه انسان در چراغ کم نوری که در دو سر راهرو
آویزان کرده بودند هیچ حرکتی نتوانست ببیند
مسو و بللو با اوسوی در دست داشت که او کم رنگ آن
لای روی زمین را روشن می کرد.

از پله ها بالا رفتم و در مقابل در سلول ایستادم
همه جا تاریک بود.

مسو و بللو با صدای آهسته بی زیر گوش من گفت:
همین جاست می توانم او را از لای میله های آهنی
ببینم و بعد با همان صدای ملایم و خفیه گفت:

هاری، بیکماری آمده می خواهد ترا ببیند و با لافاصله
صدای پر از عشق و اشتیاق بر سرم را شنیدم که گفت:

تویی هاری، عالیبت آمدی؟
می دانستم که خواهی آمد!

در همان حال صورتش را از وسط میله های سرد
بصورت من چسباند و چنان با التهاب و شوق لبام را بوسید
که هرگز در زندگی کسی مرا آنطور نبوسیده است.

خاتم که اشک در چشمش حلقه زده بود با صدای
لرزانی گفت:

همچاره مادام لئون چه قدر زجر کشیدی از این که
بسر ترا با معشوقه اش عوضی گرفته بود!

مادام لئون جواب داد:
آه!

خاتم: نه هیچ وجه در این فکرها ایووم.
چون او در آن لحظه چنان خوشحال بود، که گویی
فرمان عشق را شنیده است.

من ایچ مسرت و خوشحالی را از لرزش تنم لبها و بوسه
سوزانش احساس کردم.

تنها وحشتم از این بود که می دانم مرا بشناسد و بفهمد
که اشتباه کرده است.

باین جهت وقتی مسو و بللو با زوریم را گرفت و با عجله
اوروبم برداشت و تشکر کردم.

آن شب همان شبی که حتی باور نمی کردم چون صبح
شود زنده باشم.

پله همان شب رالتی روی دستم را با تمام بخواب سنگینی
فرورفتم و هنگامی پدیدار شدم که آفتاب پدید شده بود، و محض
آنکه چشم باز کردم موجی از وحشت و ضعف پدایم را تکان داد،
آولات ایووم که همه چیز تمام شده است تنها فکری که
تسکینم می داد این بود که ایاد آرم هاری پا خودحالی و
اعتماد به عشق فانی مرده است.

آروز ساعت ها ساکت و بی حرکت در کنبی نشسته و م
هنگام غروب متوجه شدم پدایم را که ماهها حوصله نکرده
بودم دست بگیرم بکسر و با تمام کرده ام.

ولی آنچه بیشتر از هر چیز زجرم می داد این بود که
چهار روز بعد وقتی جمعه پس اندازم را باز کردم دانستم در این
مدت دوازده هزار فرانک برای رهایم بر سرم خرج کرده ام،
درست سه برابر پولیکه روز اول اوزم خواسته بود.

پدایم

گروه فرهنگی پیشرو

اوله فعالیت فرهنگی خود را با تاسوس
دوستان دخترانه جوان با کلاسهای ۳۰ نفری و
تدریس زبان انگلیسی و مدیریت با او مهدوی
(مدیره دوستان آزادی) آغاز می نماید.

نوبت نام تا آخر خرداد عصرها ساعت ۳ تا ۶
از اول ترم ماه صبح ساعت ۸ تا ۱۱

نشانی - خیابان جهانبانی کوی موهلی آباد
شماره ۶۷۹ تلفن ۹۱۳۰۶

مشاور پزشکی

دکتر اشراق

دیپلمه اروپا با سابقه سی و سه ساله بیماریهای
داخلی، اطفال، مقاربتی (ما باجه لطیف سوزاک و
کهنه در اسرع وقت) مشهد خیابان پهلوی ایستگاه
سراب تلفن مطب ۲۵۲۱ تلفن منزل ۶۳۵۰ ش ۲۵

دکتر احمد شاهین فر

متخصص و جراح گوش و گلو و بینی
رزیدنت سابق بیمارستان دانشگاه واشنگتن آمریکا
اول خیابان خسروی جنب داروخانه و نوبت تلفن ۳۳۰
پذیرائی از ۵ تا ۸ بعد از ظهر ش ۲۲۶

دکتر احمد شریعتی

بیماریهای عمومی
تعالی - ابتدای خیابان سعدی تلفن ۹۵۳۳۲
پذیرائی از ساعت ۵ تا ۹ بعد از ظهر ش ۲۸۷۹

دکتر محمد فقهی

جراح و متخصص
بیماریهای چشم خیابان
پهلوی پذیرائی از ۳ تا ۸
بعد از ظهر تلفن ۳۰۵۲



دکتر رضا حائریان

بیماریهای اعصاب و روانی
ملکه سوم اسفند پلاک ۵۹۹ تلفن ۷۶۶۶
پذیرائی از ۳ تا ۸ بعد از ظهر ش ۵۳

درمانگاه رازی

بمنظور رفاه حال بیماران فوری طبیب
کشیک شب از ساعت ۷ شب تا ۷ صبح و بخش
سر، پست و پانسمان شبانه روزی آماده
خدمت می باشد.
جمعیت تعاون بهداشتی خراسان - درمانگاه رازی
خیابان نادری تلفن ۷۲۲۲ - ۸۲۲۲ ش ۸۸۲۱

دکتر صفوی شاملو

پذیرائی ۳ تا ۶ بعد از ظهر خیابان صفوی
بیماریهای داخلی - ۲ و دکان آهینشی
۶ تا ۹ بعد از ظهر سوم اسفند تلفن ۴۱۵ و
ش ۲۲

دکتر داود قهرمان

بیماریهای مقاربتی
خیابان پهلوی مقابل باغمنی
ش ۲۵۱۶ تلفن ۲۹۷۹ و ۸۲۷۷

دکتر محمد تقی حبیبی

متخصص بیماریهای اعصاب و روانی
در سه راه جهانبانی
ش ۶۶

مطب دکتر محمد فرشچی

متخصص و جراح چشم
خیابان خسروی جنب کوچه دبستان خیام
پذیرائی ۶ تا ۸ بعد از ظهر
شماره ۳۳۸ تلفن } مطب ۸۰۶۶
منزل ۳۹۶۷ }

دکتر محمد علی معینی

متخصص جراحی عمومی و شکسته بندی زنان
ساعات پذیرائی ۳ الی ۸ بعد از ظهر تلفن ۳۱۲۷
خیابان پهلوی - ش ۲۲۳۹

آفرین به این هوش

سوال کردند که :
- آیا از دزد علامتی داری؟
- لکری کرد و جواب داد :
- نه، فقط لهره انومیل را یادداشت کردم!

فروشنده زرنگ

مدیر يك مزازه بزرگ در چین گوردش در مزازه متوجه شد که فروشنده یکی از غرفه ها که دختر جوان و زیبایی بود بر سر چیزی با حشرات مشغول چانه زدن با مشتری است .
مدیر گوشه ای ایستاد و از دور به آنها خیره شد اما بعد از یک ساعت چانه زدن به آلت خریدار دست خالی غرفه را ترک کرد و از مزانه بیرون رفت مدیر با عجله نزد فروشنده آمد و گفت :
ماد موازل چطور بعد از اینکه همه چانه زدن نتوانستند او را لایع کنند و دست خالی رفت؟
برعکس کاملا موفق شدم لهره را به او بلام پس چرا دست خالی رفت مگر چه میخواست - خودم را آتای مدیر!

در خیابان

دو نفر مرد که از رفتارشان پیدا بود خیلی عجله دارند در پیاده رو خیابان محکم به یکدیگر تهنه زدند یکی از آنها نگاه غضب آلودی دیگری انداخت و گفت :
- احقر بی شعور!
و پشه از آنکه دومی جوابی ندهد از خود جواب داد هم بی لایحه است چونم کرم!

ان مادر زن ها

ولتی که آقا خسته و کوفته از اداره به منزل آمد در نهایت وحشت و تعجب دید که زنش از مسافرت بازگشته و پدر از همه اینکه مادرش را نیز همراه آورده است .
الیه ظاهرا خشم خود را بر خورد و چند لحظه بعد که باز نش تنها شد با او گفت :
- مگر من بتو تلگراف نکردم که خودت تنها نره؟
- چرا.
- خوب پس دیگر مادرت چرا آمده؟
- آمده بودند مقصود تو از این تلگراف چه بوده است؟

گردش با مادر زن

يك سواح فرانسیسی در شهر اسپانیا با دوستانش بر خورد که با زن و بچه ها و مادر زنش برای تماشای شهر آمده بود .
- آوه سلام! اینطور که می بینم برای تماشای لذت را چرا آورده ای؟
دوستش با آرایش و آشکی به پهلوی او زد و آهسته گفت :
- آره ، مادر زنم را برای این آورده ام .
گفت دلم میخواهد ایل را ببینم و بعد بیرون حال او را این را دیده و من منتظر دیدنش هستم

این هنر پیشه ها ...

این ستاره مشهور سوئد با ااراحتی برای دوستش تهریف میکرد که مدتسی است راننده ندارد .
دوستش گفت :
- راننده ات که خیلی مرد خوبی بود چرا خراجش کردی؟
- آره خواهر ، والا راننده بی نظری بود ولی يك عیب داشت که ایل تحمل نبود .
چرا عیبی؟
- این او را خراب کرده که مورسود می گفت ،
من مدت هست سال است که راننده ام هستم!

از : خ ناطق

مبادا ...!

الهی کس چو من عاشق مبادا
الهی هیچ کافر در زمانه
الهی از غم و اندوه و دردم
الهی مامنی غیر از دل من
الهی از بی آسایش دل
الهی جز طیب و صل رویش
الهی بر سر کوشش شب و روز
کسی سر گشته چون ناطق مبادا

توالت

در طلب آرامش

هنگم چنگ در سنگری دوس باز داوطلبها
یکدیگر درد دل می کردند اولی پرسید :
- تو چرا داوطلب شرکت در چنگ شدی؟
- برای اینکه مجرد بودم و چنگ را دوست داشتم اما تو چرا داوطلب شدی؟
- برای اینکه زن داشتم و آرامش و راحتی میخواستم!

زندگی چیست

بعقده ایلیون بزرگ : الله ایست!
بگفته بر لاردش او : شعله ایست!
وقول کالدرون شاعر نامی اسپانولی : خواب و خواهش است!
بگمان هنلی منتقد معروف انگلیسی : دود است!
بگفته اسویف داستا سرای ایرلندی :
امایش حزن الگوز است!
در نظر سعدی شاعر شهریه جوان خودمان ، راست است!
بگفته اندرسون نویسنده دانمارکی و سه ساری از نویسندگان و شعرای مشرق و مغرب :
السا اله است عقده شما چیست؟

منطق زنانه

دوتا خانم در خوابان به یکدیگر رسدند اولی و دومی گفت :
- خیلی ناراحت و غمگینم بنظر میرسی چرا؟
- از وقتی که شوهرم بهم رسدند آرام و قرار ندارم .
از انگری و غصه دارم موهوم .
- خوب ، عزیزم ، بهتر است دستار آورده ام و حالا تمام مدت شب و روز باید مواظب او و شوهرم باشم موهوم پس درم را در آورده است .

از سید ابوطالب وظایف دان

((گدا یا بیکار))

غیر از صنم و طره دلدان نباشد
آن خانه بوشت است و در آن نار نباشد
وارو بزند چونکه دگر کار نباشد
یا نیست کسی یا که در آن مار نباشد
آن لحظه نباشد که بدکار نباشد
هرگز خیر از کشته و کینتار نباشد
زیرا که دگر دیزی ما بیار نباشد
هر گوشه گدایی و بناد ز جدایی
یارب که گدا باشد و بیکار نباشد

دربان بهشت

مردی به علت احساس بیماری پش دکتش رفت .
دکتش پس از معاینه گفت :
شما احتیاج به عمل جراحی دارید و همین الان باید عمل شوید .
مرد که از عمل جراحی موثر بود از دکتش پرسید :
- آتای دکتش خیلی درد دارد ؟
- نه آتولی بتو مزاحم و تو در حاله که می بینی چندتا دکتش سفید پوش دور و برت ایستاده اند از هوش مهوری چند دقیقه بعد وقتی به هوش میایی باز این سفید پوش ها را اطراف خودت می بینی آتوقت کار تمام است .
مرض رضایت داد و دکتش و دستیارانش شروع بکار کردند .
پس از هوشی مدتی که گذشت مرد چشماتش را باز کرد و دید که فقط يك نفر سفید پوش کنارش ایستاده است با تعجب گفت :
- چه کنم دکتش هارفته اند ؟ شما بیستار هستم ؟
- بیستار کدومه آتای ؟
مرد دربان بهشت هستم!

آفران باین هوش

امتحانات از دیک بود و این آتای پسرش را که خیلی تفهیل بود و چطور کرد روزهای جمعه را هم درس بخواند شب امتحان برای اینکه ببیند پسرش چقدر به شرف کرده از او پرسید :
زمین چه شکلی است پسر بعد از موهوم زیاد گفت :
امیدام
- آهسته پسرم : دکمه سردستی که روزهای جمعه موزام چه شکلی است
- گرد است پدر خوب حالا بگو ببینم زمزم چه شکلی است؟
- آهسته ماما ، درشش روز هفته چهار گوش و در روز جمعه گرد است!

بقیه از صفحه ۵ نکاتی چند راجع

مثلا ماکارونی که داخل آن سوراخ دارد قالب مخصوص دارد و بقیه هم هر کدام از قالب مخصوص بهر طرف می آید و این خمورها ولتی که از قالب بهر طرف آمد در مراحل مختلف و بطریق و زمان های مختلف خشک میشود و بصورتی میگردند که در بازار ملاحظه می کنید.

طبخ انواع ماکارونی بسیار آسان است. ولی باید توجه به آنکه در مقدار آب و نمک و وقت و مقدار حرارت آن در وهله اول بدست آورد مثلا کافی است که مانند راجع آبکش کنیم و به آمولج آنرا از سر بار برداریم همطور هم ممکن است در باره ماکارونی اشتباه کنیم و نتیجه مطلوبی بدست نیاوریم.

البته ماکارونی باید از بهر طرف اوج باشد و خمور آن کاملا صاف و سبب شفاف باشد هر قدر خمور آن ضخامتش زیاد و زبر باشد آن نوع ماکارونی خوبی نخواهد بود.

یکی از انواع خوراک های ماکارونی که در ایالتها بسیار معروف است خوراک تالیا تلی میباشد و این نوع خوراک از نوع ماکارونی بهج و صاف و شفاف درست میشود.

برنامه امشب سینماها

سینما آسیا	گرداب گناه	بازرکت بهروز وثوقی	تلفن ۵۵۱۲
سینما ایران	دختر طلا	بازرکت فریده نصیری	تلفن ۸۸۶۸
سینما دیاموند	جاده افتخار	بازرکت الویس پریسلی	تلفن ۵۷۱۳
سینما سائترال	گرداب گناه	بازرکت پوری بنائی	تلفن ۳۲۹۳
سینما سعدی	گذرگاه انتقام	بازرکت نکس پارکر	تلفن ۲۲۵۵
سینما فردوسی	انسانها	بازرکت فردین	تلفن ۶۱۵۵
سینما کریستال	خشم قورمانان	بازرکت جان ایرلند	تلفن ۲۲۷۸
سینما متروپل	مزدوران	بازرکت رد آیلور	تلفن ۲۲۷۹
سینما مولینروز	رستوران بزرگ	بازرکت لویی دو فونس	تلفن ۲۸۸۳
سینماهما	دختران خطرناک	بازرکت کن آلارک	تلفن ۲۲۰۲
سینما پالازا طوقیه	جدال در مونتباب	بازرکت آنژ کوربوزا	ش ۷۱۳
تئاتر گلشن	انتقام	بازرکت کمدی انتقادی با شعراک آلمانی	
تئاتر قازق	بازرکت هنر بهشتیان	تئاتر و کنسرت	
پالاس	شروع سراسر	شروع ۸ بعد از ظهر	تلفن ۲۹۵۳

آزمایش هوش

بقیه

- ۱- اسم تو چیست؟
 ۲- این سه عدد را تکرار کن (۵ - ۹ - ۲) ارقام را یکی پس از دیگری بیاورد - طور واضح برای طفل تلفظ کرد.
 ۳- دماغت کو؟ چشم هایت کو؟ گوشت کو دهانت کو؟
 ۴- این جمله ها را تکرار کن: هوا سرد است. من گرسنه هستم.
 ۵- این شکل نگاه کرده بگو عکس چیست طفل بایستد الا بتواند شکل انسان و حیوان را تشخیص بدهد.
- چهار ساله
 ۱- تو دختر هستی یا پسر؟
 ۲- اسم این سه چیز را بگو: طلا سکه - پول - چاقو - مداد.
 ۳- کدام یک از این دو خط راست موازی است؟ (دو خط موازی که یکی بقدر سه سانتیمتر از دیگری درازتر باشد رسم کرده با طفل نشان بدهد پنج ساله
 ۱- از این دو جمیع کدام یک سنگین تر است؟ (دو جمیع مختلف الوزن مثلا یکی پوزن پنج گرم و دیگری وزن دو پست گرم با طفل نشان بدهد)
 ۲- شکلی شبیه این شکل رسم کن (مسی در روی کاغذ رسم کرده با طفل نشان بدهد)
 ۳- این جمله ها را تکرار کن: اسم من کرمکوس است. من تیلی را دوست ندارم. شش ساله
 ۱- اکنون صبح است یا عصر؟
 ۲- چنگال چیست؟
 ۳- موز چیست؟
 ۵- مادر چیست؟ (طفل باید بتواند تعریف مختصری کرده و مورد استعمال اشياء را بداند)
 ۶- مانند این شکل (لوزی) رسم کن
 ۷- در این دو شکل عکس دو خانم است که یکی زیباتر و دیگری زبیا تر است، خانم زیبا را نشان بده (دو تصویر مختلف با طفل نشان بدهد) هفت ساله
 ۱- دست راستت را نشان بده گوش چپت کو؟
 ۲- نام این رنگ را بگو (طفل باید اقلای بتواند چهار رنگ را تشخیص بدهد)
 ۳- این تصویر نگاه کن و بگو چه چیز را نشان می دهد (تصویر ساده مربوط به کتبی را با طفل نشان بدهد)
 ۴- این کارها که می گویم انجام بده: کلید را بگرد و آنرا روی صندلی بگذار در اطاق را ببند و اوطی را که در روی موز است برای من بیاور.
 (این دستور را باید دو بار شماره لیل از اینکه طفل شروع بکند نماید تکرار کرد)

آش پیزی

یک ظرف آب جوش جداگانه باید حاضر داشته باشند پس از خالی شدن تالواتلی آنرا در همان دیک بریزند و دو باره تالواتلی را از آبکش در دیک ریخته تا کاملا اشسته روی آن شسته شود و واز هم در آبکش بریزند و البته که دوباره کاملا آب آنها رفت تالواتلی ها را در همان دیک ریخته روی آتش ملایم بگذارند در آنرا نمک بزنند تا آب آن برچیده شود و آب در آن باقی نماند.

بخطری داشته باشد که اینکار را نباید قبل از درست کردن سس انجام داد بلکه باید اول سس را بخت و پس از آماده کردن تالواتلی بلافاصله یا پیش آنرا سرخون بردارند و باید دس مناسبی در نظر بگیرند.

سس های مختلفی میتوان با ماکارونی سرخون بردارند و سس گوجه فراگی بدون گوشت که در اصل تا استان بسیار مطلوب است و میتوان به آن کره و پنیر اضافه نمود.

۲- در درست کردن انواع و اقسام ماکارونی صرف پنیر کاملا اجباری است و البته اگر کسی پنیر دوست ندارد میتواند صرف نظر نماید.

۲- بعضی از این خمیرهای نوع ماکارونی را برای بویون یا سوپ بکار میبرند مانند ورموشل و بعضی او آنها را میتوان بجای آش رشته مصرف کرد.

۴- از ماکارونی برای دور غذا مخصوصا ژیکو و کتلت میتوان استفاده نمود.

عقاید بزرگان درباره زن

برای زن فقط یک بدبختی و مصیبت در عالم وجود دارد و آن ولتی است که حس کند کسی دوستش ندارد ژ - بر نائوس

زندگی بدون زن در نظر من گسستای بدون گل و عطری بدون بو و خواب راحتی بدون رویای خویش بیشتر است و بکتور هوگو

زنها بهار رؤف و مهربان خلق شده اند ولی که تردیده شده است که این مهربانی را که نسبت به همه مردم دارند یکبار در دام یک نفر بریزند

الکساندر دوما

من نوع و هنر خود را مرهون زن میدانم و از او سواس گذارم، اگر زن نبود زیبایی و هنر و شعر و موسیقی وجود نداشت و اگر زندگی از این ظواهر گرانها عاری بود، از حقیقتی امری ارزید.

لامارتین

عاطفه و محبت زن آقدر زیاد است که مرد قدرت درک آنرا ندارد

دیدرو

در آسمان، خدا قابل ستایش است و در زمین ما، زن الگات

موسسه صنعتی

جهان کار افتتاح شد

جهان کار متخصص و سازنده زیبا ترین کابین های آشپزخانه - دکوراسیون های فلزی - موز و صندلی و لوازم طبی

ش ۱۴۶

نقد و اقساط

خیابان سعدی مقابل بیمارستان طوس

دوزندگی لورنس

ابتدای خیابان گوهر شادش ۱۸۱۳

کارخانه جین پرس

سازنده و تولید کننده انواع تریزین های چاه های عمیق و برش های صنعتی و تعمیرات کل و جزئی ژنسب آنها

برای انجام هرگونه سفارش در تمام مدت شبانه روز در اسرع وقت با گران آماده بکار می باشد.

تلفن ۳۰۲

مشهد خیابان فردوسی تلفن ۵۲۰۵ جنب چینی

خانم دکتر کیهان مهرویان

جراح - دندانپزشک
 دیپلمه از مونیخ - آلمان
 نشانی - خیابان جهانیانی چهار راه گلستان
 تلفن ۳۰۰۴
 پذیرائی ۴ تا ۸ بعد از ظهر
 ش ۷۶

بودا عشق نرسیدیم و برفت

شهرتی از لب لعلش آید و بر رفت
 گوئی از صحبت ما نهك بتك آمده بود
 پس که ما فاتحه و حرز یمانی خواندیم
 عشوہ دادند که بر ما گذری خواهی کرد
 شد چمان در چمن حسن و لطافت لعلک

همچو حافظ همه شب ناله وزاری کردیم
 کای در بغل بودا عشق نرسیدیم و بر رفت

از: نریا امیری نیا

آئینه بخت

ز چشم کهر بانی رنگ دختر
 لطره های شوق ، لرزان
 سوی روزن می دویدند
 که او
 به تر و به اند خویش را
 در ساخت آئینه بخت ،
 در آن لحظه
 که تاجی از گل مریم
 حیرت گسوانش را ، در آغوش وصال نظر می نمود
 و بر اندام موزوش
 نموده تکوه الهالی
 ز اوریشم
 شسته تارها
 در هم
 پروی سخته کرده

رسم
 تصویر زهرک بز ، ز پولک ها
 زمر و اربد و اشک دانه های سرمه و صاف
 و آن
 رنگه بساطی را ،
 که بر رویش
 دوشمله
 از دو چشم لاله سوزان
 ز جام شهبازی
 آهسته و آرام مورامید
 که تا
 محراب معادش
 گزیند جاودانه نقش تاریخی يك پیمان
 پروی سخته خاموشی یکدقت
 به لبخند شهادت های معصوم گواهان
 در آن لحظه
 دور چشمان آئینه
 دو لطره اشک لفزید
 شمع خندید
 تا به خند بخت بر آن دختر زیبا

از: خجسته

حلقه ی مهر

جام دل گر ز می عشق تو لبریز نبود
 سختم این همه شووا و دل انگیز نبود
 کلیخ حسرت توام شد سبب شور و اوا
 ورزه ایفکواه مرا طبع کهر ریز نبود
 هرگز آلوده نمیشد بشدا دامه دل
 مرد چشم تو گر وسوسه انگیز نبود
 دوریت کرد چمن تشنه ی دیدار مرا
 ورزه بازار تو و آتش من تیز نبود
 با تو مهکتتم اگر شمه ای از رایج لراق
 از من ای شوخ ترا این همه پرهیز نبود
 مویزیدی به انکاهی دل پر مهر مرا
 گوهر عشق اگر نزد تو نماند نبود
 فارغ از رنج و غم هر دو جهان بودم اگر
 حلقه ی مهر تو در گوش دل آویز نبود

سید احمد هانی

ای زیبا جوان رفتم

مهرس ای گل ز من کز گلشن کویت چسان رفتم
 چو بلبل زین چمن با ناله و آه و ناله رفتم
 لبستم دل به مهر دیگران اما ز کوی تو
 ز بس نامهربانی دیدم ای نامهربان رفتم
 منم آن بلبل به چور کز بهداد گلچینان
 و دل صد خار خار عشق گل از گلستان رفتم
 منم آن لمری لالان که از بس ستم به دادم
 زدند از هر طرف از باغت ای سرورون رفتم
 با مهدی جوانی صرفه وقت کردم و آخر
 بهتری نارسید از کویت ای زیبا جوان رفتم
 ندیدم زان گل به بخار جز مهر و وفا اما
 ز باغ از جور گاه و جفای باغبان رفتم
 سخن کوتاه ز جور آسمان هاتف بناگامی
 زیاران وطن دل کندم و از اصفهان رفتم

شهر آشوب

مرا بگذار و بگذر

مرا بگذار و بگذر
 ای که ، بدم ، اینهم مرا بگذار و بگذر
 دلم ز مسکینان بتای چهره از ناز
 انگار مسکینم مرا بگذار و بگذر
 بر مرگ خود سوزی عبت مهربانی ای شمع
 منشوق بهالوتم مرا بگذار و بگذر
 در دم نمیداند کسی بگذار تا مرگ
 کوشد به تسکینم مرا بگذار و بگذر
 در دیده رویای عدم مسکینان
 در خواب شیرینم مرا بگذار و بگذر
 آئینه ی دل تیره از زنگار غم هست
 بیزنک و رنگم مرا بگذار و بگذر
 بگذار جز کاپوس نماند کامی نبود
 چشم جهان بهتم ، مرا بگذار و بگذر
 بگذار تا در ماتم ویرانه ی خویش
 چون جغد بنشینم مرا بگذار و بگذر

عاشق اصفهانی

جان مهسپارم و بخدا مهسپارم

ای لسا صورت دل بخدا مهسپارم
 و ز کوی بار میروم و مهسپارم
 کو طالعی که تنک در آغوش آرم
 بساط طبعی که دست زدامن بدارم ؛
 اغوار در کعبین تو و من ازین مرگ
 جان مهسپارم و بخدا مهسپارم
 ترسم ز عادتسی که مرا با جفای تست
 یار کسان شوی و همان دوست دارم
 کردم هزار چاره بی اضطراب دل
 مگر شد که بخاطر مهسپارم
 دستی که کوتاه از همه جا کرده روزگار
 دانم نمیشود که بگردن در آرم

عماد خراسانی

کار من از کار

عمر ، آن بود که در صحبت دلدار گذشت
 آفتابی زد و ویرانه دل روشن کرد
 خوره شد چشم دل از جلوه مستی
 و سروای اساح مجنون ز پی
 هر چه غم هست خدایا بدل ما بفرست
 یسار آن صبح درخشنده
 عاقبت مهر درخشید و شد



از : وحشی باققی

چرا رفتیم ؟

چو دیدم خواره خود را از در آن به و لا رفتیم
رسد روزی که اندر من بداند ، حالها رفتیم
و آن بودم که در راه ولایتش عمرها باشم
چو میدیدم که از حد می برد چو روجفار رفتیم
دلگ گر آید از کویش و رون . آگه کنه داورا
که گر خواهد مرا جانب شهر و لا رفتیم
شدم سوبش به تکلیف کسان اما بشومام
امی بایست رفتن سوی او دیگر چرا رفتیم ؟
زمن اکنون بگود یوانگان عشق را وحشی
که من زنجیر کردم پاره در دارالشفای رفتیم

نظام وفا

آبم ز سر گذشت

پیری رسود و فصل جوانی دگر گذشت
دیدی دلا که عمر ، چسان بی خیر گذشت
ما را دگر چه چشم امیدی بهیتری است
کز پش من جوانی با چشم تر گذشت
گو آمد من کسی نکند هیچ یسار من
ایب خواب و این خیال اور ز دسر گذشت
ای غرله باد کشتی عمری که روز و شب
در بحر آب دیده و خون چکر گذشت
از دست ، کار من شد و جام پلب رسود
از پا در او افتادم و آبم ز سر گذشت
با سادگی اساز نظاما که سهلتی
آنکس گذشت کز همه کس ساده تر گذشت

وحشی باققی

نشان مرگ

ز شب های دگر دارم تب غم بهشتن امشب
وصوت مویکم باشود از من باخبر امشب
مگر در من نشان مرگ ظاهر شد که می بینم
رلهقان را نهایی آستون بر چشم تر امشب
مکن دوری خدا را از سر بالینم ای همدم
که من خود را نمی بینم چو شب های دگر امشب

حبیب یغمایی

غروب زندگی

به امار بامدادی به دعای شامگاهی
به ز چشم تو به اشکی به ز سوز سینه آبی
بقیام ازل و تنم مگردد و دشمن
دل سخت بی هوایی تنم سخت بر گماهی
به چنان به غفلت اندر شده ام که باز نیام
ز ملامت اشتغالی و ز عسرت انتباهی
به مگشفت چو عارف به مجاهدت چو عابد
اسهرد پای توفیق بکوی دوست راحی
بکجا گریزم از حورت و بهم چون لباشد
بسامه تکه گاهی و ز آرزوی نساہی
زوجود بی هنر توده سنگ و خاک بهتر
که به پرورد الهالی و بر آورد گماهی
نتوان حبیب جبران خطای روزگار ان
که نه انده است از عمر بغیر سال و ماهی

رهلی معیری

بی نیاز

رفتیم و پای بر سر دلها گذاشتم
کار جهان باهل جهان وا گذاشتم
چون آهوی رموده ز وحشت سرای شهر
رفتیم و سر و دام من صحرا گذاشتم
ما را به آفتاب فلک هم نیاز است
ایب شوخ دیده را به مسوا گذاشتم
والای هفت پرده ای اولی است جای ما
با چون حباب بر سر دریا گذاشتم
ما را پس است جلوه که شاهدان لاس
دنیا و سرای مردم دنیا گذاشتم
کوتاه شد ز گردن ما دست حارقات
تا دست خود بگردن مونا گذاشتم
شاهد که سر کشتی نکند دلقرب است
فهم سخن مردم دانا گذاشتم
در جستجوی بار دل آزار کس نبود
ایب رسم تازه را بجهان ما گذاشتم
ایمن ز دشمنیم که با دشمنیم دوست
بنیان زندگی به مدارا گذاشتیم

محمد فضایی پیمان

وداع

خیره شد در نگاه من که : مرو
تند خسوی مگر برای خدا
اشک گرمی بگواش غلطه
تلخ تر از هزار گریه اشست
چهره اش همچو چشمای مهتاب
در شب دیدگان او رخسود
با من از خشم و کین چه ها که نگفت
بر وجود چه شعله ها که ازد
غرق اندیشه ای عبت بودیم
من در اندیشه ی چه باید گفت ؟
در نگاهم چو عزم رفتن دید
اشک ریزان بهوش دیده ی من
روزگار از رهش جدا می کرد
چشم مستش به شکوه می نوشد
مهدمند از الحق طلوعه ی صبح
آنچه ماند از برای ما ای ره
راه ما بود و دیده ی تر ما



من از کار گذشت

بوت دلداد گذشت
دل روشن کرد
سوه مستان
ز بی
دل ما بفرسود
یساد آن صبح درخشنده که می گفت عماد
عماقت مهر درخشید و شب تار گذشت



جراحان هند

قرنها قبل از میلاد مسیح مشکل ترین اعمال جراحی امروز را با مهارت انجام میدادند

جراحان هند باستان روشها و اصول انتقال خون، به وقت پوست جراحی استخوان و مسموم کردن آب مروارید و کلمه آشنایی کامل داشتند.

باطل الهمدارک قدیمی معلوم گردیده است که جراحان هند باستان روشها و اصول انتقال خون به وقت و وقت و سنگ کلمه و... را میدادند و در قرن ها قبل از میلاد مسیح با انجام این اعمال اقدام میکردند.

در مدارک قدیمی هند گفته شده است که پادشاه برای ایجاد جان یکی از اتباعش مقداری از خون خود را با داد و جراحان بوسه یک لوله نقره ای این خون را از پای او گرفتند.

در این اسناد راجع به عملی که روی یک راجه انجام شد چنین توضیح داده شده است.

جراحان هند از دادن مقداری داروی بهوشی کاسه سر این راجه را شکافتند و اسهالی از آنرا که آسوب دیده بود برداشتند.

بدین ترتیب راجه را از یکس درد کشنده رهایی بخشیدند و بدین عمل جراحی از نظر شعور و عقل هیچ آسیبی بر راجه وارد نشده بود.

جراحان هندی در همان ایوان قبل از میلاد مسیح پای مهربان مردم شهر را بریدند و بجای آن یک پای آهنی را قرار دادند.

این مجسمه های جراحی بکلی ابزارهای مخصوصی صورت میگرفته بر طبق مدارک موجود جراحان مزبور روش از دستور سله از لوله پتاسی

له چی، اره و چاقوهای مخصوص جراحی در اختیار داشتند بر طبق مدارک موجود پزشکان هند باستان کالبدشکالی را روی امش مردگان می آموختند

بعلاوه در آن روزگار پرستاران خوبی در هند وجود داشتند که جراحان مزبور را در انجام اعمال سخت همراهی می کردند و بعد از انجام عمل بیمار را تحت مراقبت قرار میدادند

در آن زمان بیمارستان های مجامعی و بیمارستان های سوار زمان جنگ در هند وجود داشته است.

معنا هنوز اسرار داروهای که پزشکان و جراحان هند باستان بکار میبردند بدرستی شناخته نشده است.

خون دماغ و علل آن

خون دماغ علل گوناگون دارد. فشار خون نارسایی کبد بیماری هموفیلی و وورپورا بیماری کلمه و بیماری های عفونی از قبیل حصه آبله و خنک موجب خون دماغ میشود اغلب این بدون هیچگونه علت آشکار خون دماغ عارض می گردد. محل خونریزی بیشتر در قسمت اندامی توده است.

مواقع خون دماغ در بیمار را بالا است که می دارد که پرس سر رو پشت گردن می کشند و در پرده بینی را محکم بپوشانند و طبی می فشارند

اگر خون بند نیاید باید پزشک مراجعه کرد پزشک نقطه خونریزی را یافته آنرا مسموم کند و یا مومالتا خفه بینی را محکم بپوشاند و اگر از آغشته به محلول یک دوم آنتی ترابن می کشند. داروی منقد کننده خون تزریق می نمایند و سپس درصدد معالجه علت اصلی بر می آید.

اساسات صورت

اسمت از روی تمیل و لرسوده می شود و اقب- ض لازم خود از دست می دهند

برای جلوگیری از چروک پویشانی، انگشت سیاه و وسطی را در وسط و ده دوپرو اراداده و روی خطوطی که آشکار شده اند از پائین بالا یعنی از ابرو تا نوای موی س اماز دهد و این عمل را هر روز ده مرتبه تکرار کند

۴- اساس پلک چشم پلک بالایی اغلب مورد تهدید چوچ های عمودی است چشم خود را هم بگذارید و انگشت سیاه هر دست را بروی گوشه درونی چشم گذاشته بفرمایید آنرا بروی پلک چشم باغزاید تا بگوشه خارجی برسد.

این اساس را ده مرتبه در روز تکرار کنید پلک زیرین برعکس، دایره وارفتگی و شل شدن عضلات ورم کرده و تولید کوسه زشت نماید می کشد که با اساس زیرین طرف میشود.

انگشت وسطی هر دست را روی گوشه خارجی چشم و انگشت چهارمی را کمی پائین تر قرار دهید و با انگشتی بفشارید.

در هر دو حال سرعت و شدت ده مرتبه چشمک بزاید یعنی پلکها را باز و بسته کنید.

خونریزی از بینی

اگر بینی شما خونریزی داشته باشد برای جلوگیری از آن پنبه را با آب لیمو آغشته کنید و در سوراخ بینی بگذارید و با خون بینی را قطع می کند.

بطور کلی در نتیجه کمی کلسیم در بدن خونریزی از دماغ وغیره وجود می آید کاکائو در بند آمدن خونریزی از بینی فوق العاده مفید و موثر است

کاکائو خشک بصورت دم کرده و جوشا شده بمقدار پانزده تا بیست گرم در یک لیتر آب مصرف می شود و آب پرک توت هم خون بینی را فوراً قطع می کند.

سبب ضد خونریزی است دارای مقدار زیادی جوهر مازو و پتاسیم (ک) می باشد انواع کدو برای مبتلایان به خونریزی تجویز می شود.

سالاد لیمو و کاهو ضد خونریزی است ساقه و برگ گزنه را اگر بکوبند و آب آنرا بگیرند شیرهای از آن بدست می آید که خون را بند می آورد و در خونریزی های داخلی بدن بمقدار صد گرم در روز تجویز می کنند که باید چندین دانه آنرا مصرف کرد.

هنگامیکه کسی خون دماغ می شود و خون بند نمی آید یک لیمو کوچک پنبه را در شوره گزنه تر و مرطوب کنند و آنرا در سوراخ بینی بگذارند فوراً خون بند می آید

پدره قلاب دوزی

که سر تا پا شکسته و ترک خورده و پای تاسردر کهرک داشته بچسبیده شده بود که از شالوده تا سقف در دهان کرم و موریا به لرزفته بود در دست بردن فر توت وله شده ای همانند که بر اثر هرزگیهای کشف ابروی پشورس گرفتار شده باشند مطلقاً حس تبسستی بر می آید که سخت زیر چوچ می در دما است که در زشتی و لکنت در پهننده از دو چوچ زبش بفتدیکی لباس توری که مندرس گشته باشد و دیگر دیواری کچکاری که گهنه شده باشد دو چوچ که قاعدتا مهیاید زود از دما برود و بر عکس خیلی عمر میکنند.

در این کلاه فرایکی بود که عموم مرا منزل داده بود درون این عمارت با آنکه از دستبرد حواری اوستی از بیرو شد در امان مانده بود در خراج از اسمت بیرون دست کمی نداشت

خواهنگاه آن پدره های زردی که کلهای سفید و درشت داشت آراسته بود

یک قاب ساعت صدف که روی پایه خاتمی قرار داشت با آهنگ یکدواخت خود بی دربی مردن توانی و در پی مردن توانی و دقایق را اعلان میکرد.

خام زیبایی ناموهای البوه بودر زده با اوم تنهای بر یک آسمان با او اهرهای متعددی از همان رنگ که اما در دست راست، کبکی در دست چپ، اوم تاجی روی پویشانی، خن گوشه در زیر ادم، خندان و سر مست در همان قاب عکس بزرگی طنابزی و در لبائی مینمود.

این عکس یکی از مشوقه های قدیم عموم بود که به دستور وی بصورت و هیت (دیبا) افسانی شده بود. حاجت بتذکر نیست که انا، و میل این اطاق همچکدام تازه ساز و جدید نبود.

یعنی رو به رفتن چوچزی در این اطاق نبود که زده بپهننده را از تصور اینکه در احصار گذشته زندگی می کند منصرف گرداند.

آزمایشگاه کیتی

میکرب شناسی سرم شناسی
آزمایشگاه تشخیص طبی
خون شناسی، بیوشیمی، نخل شناسی
سرئیس مخصوص تبیین گروه خون

ش ۱۱۸

تلفن ۳۳۳۲ سازمان آب

و مخصوصاً پرده لاله دوزی خاطره انگیزی که با نقوش خود با سانهها و اساطیر جان می بخشند روش از هر چوچ این تصور را تقویت می کرد.

این پرده (هر کول) را در حال انحرافی در پای (امقول) مجسم مه ساخت.

این طرح عالیترین نمونه تصاویر خرمالی بود که با نقوشای سبک (واللو) وجود آمده بود.

(هر کول) دوک مزیدی در دست داشت و در حالیکه گلوله ریسمان سفیدی را بر او شست و انگشت میانه او را در انگشت کوچکش را اوضع خاصی مثل اموری که در حال کشیدن اقمه باشد بالا گرفته بود.

گردن سطیر و نور و منندش که با حمایتها و گرداننده های جواهر تزئین یافته بود لاله داهارای باریخ غول روئو تیغ افسانه ای می بخشند.

نهی از شانه های سهود (امقول) در زیر پوست شهر مخفی بود دست اطرفش روی عصای گره دار عاشقش تکمه داشت، دنباله موهای بلوطی دلفریش در اطراف گردن مرمرین که در سفیدی و ارمی از گردن او گرو برده بود بخود می بخشند.

پاهائی که درست اوهای دختران آندالوس و چوچین همانند بود در اوم چکمه ای مروارید دوزی که هم رنگ گلهای یاس بنظر می آمد فرو رفته بود.

اهالی محترم شهرستان نیشابور

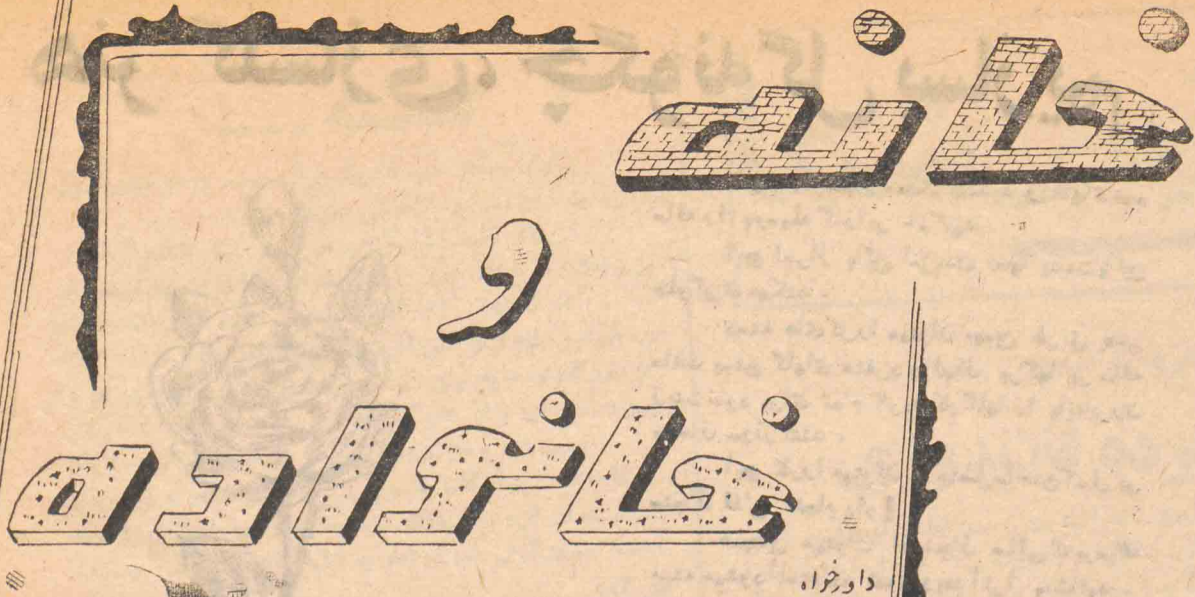
امور امایندگی روزنامه و تکفروشی آن
همه آای ابریشمی مدیر و نگاه مطبوعاتی رازی
(جنب بانگ هلی) واگذار شده خواهشمند است
برای دریافت روزنامه ایشان مراجعه فرمائید

پرسش های کودکان

ماهان، از هوا بگوئید

گردباد چیست؟
گردباد يك هوايان کوچک و خیلی خطرناک است. در گردباد، باد سرعت دور خود میچرخد و واد در وسط آسمان با سرعت رو به بالا میرود. از فاصله دور او حرکت هوا را در وسط گردباد میتوان دید که طرف بالا میرود. گردباد از دور شعله ای که توال تاریکی است از زمین تا اوج کشیده شده و دور خود میچرخد و شعله حرکت سریع بطرف آسمان با سرعت دور خود میچرخد.

در مناطق گردبادی پناهگاههای مخصوصی بامان بدون مهسازند و در مواقع گردباد با آنها پناه میگیرند. طوفان در آنها مهمانند گردباد مهتواند همه چیز و حتی خانهها را از



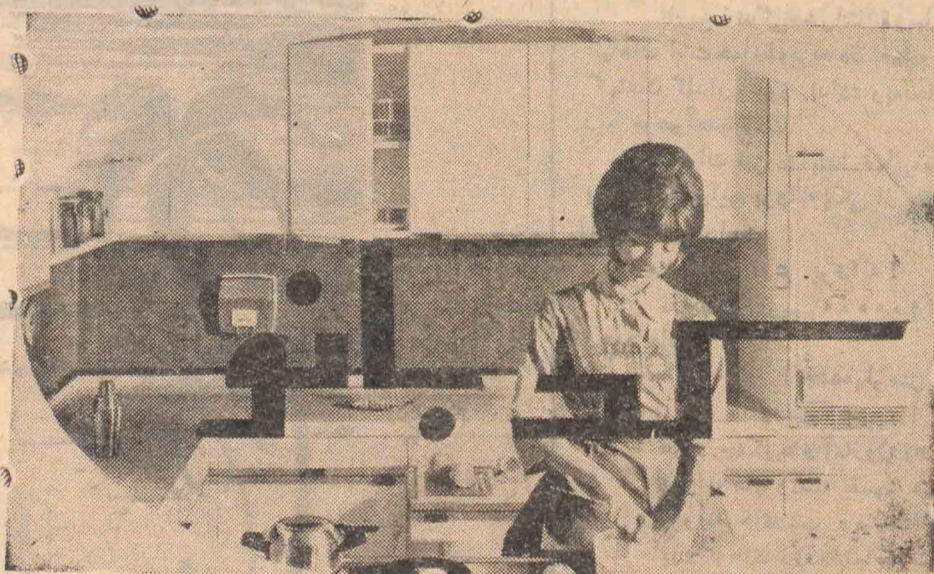
آزمایش هوش اطفال

برای سنجیدن هوش طفل خود پرسش های زیر را از او بکنید اگر نوزدی تو است پاسخ درست بدهد و بداند که چه شما از حوت هوش رضایت بخش است و میتوان او را با هوش نامید و اگر بعد از مدتی تا مل موثق بدادن پاسخ درست شد باز هم عیبی ندارد.

اگر طفل شما بتواند همه پاسخ از پنج پرسش جواب بدهد از حوت هوش او انکرای نداشته باشد.

ولی اگر بچه ای از عهده جواب هیچ کدام از پرسش ها نماند و در مقام بچه او بر آمد و به پزشک متخصصی مراجعه کند.

بقیه در صفحه ۱۳۴



نکاتی چند راجع به ماکارونی

ماکارونی در چند نوع است که از هر کدام آنها میتوان غذاهای گوناگون درست کرد. البته در ایتالیا هر کدام از آنها نامی مخصوص دارد.

ولی ما در ایران فقط چند اسم آشنایی داریم که متداول است و همه موندانوم و بقیه آنها را با رقم و تمهید امره میشناسیم.

مثلا ماکارونی شماره ۱۷ - ۱۸ یا ۳ و غیره.

و در است چند نکته راجع به این ماکارونی را از چه مهسازند و چط ور آنها به اینصورت در می آورند شرح داده شود.

ماکارونی خمیری است که از آب و آرد درست می آید.

ولی آردی که برای درست کردن ماکارونی بکار میرود باید از گندم دیم باشد.

گندم دیم گندمی است خیلی پاریک و مغز آن پر از نشاسته امجا شده و در صورتیکه یک کارخانه کاملا بجهن باشد و بتمامه های اضافی به خمیر آن اضافه نم نماید.

در اینصورت مسلاما ماکارونی بهاره نذی تر خواهد شد.

این انواع مختلف که در بازار ملاحظه میکنیم از یک نوع خمیر است.

ولی آنها را از قالب های مختلف عبور داده اند.

بقیه در صفحه ۱۳۴

آشپزی

خوراک تالیاتلی

مواد لازم:

- یک بسته تالیاتلی
- گوشت گوسفندی بدون چربی از ران نیم کپلو
- رب گوجه فرنگی ۳ قاشق سوپخوری
- سیریک پز
- روغن سه قاشق سوپخوری
- امک ۸ قاشق مربا خوری
- نمک ۴ را قاشق مربا خوری
- مرزه خشک ۴ قاشق مربا خوری
- ریحان خشک ۴ قاشق مربا خوری پنور رنده شده زرد ۲۰۰ گرم.

طرز تهیه:

در لایلمه بزرگی مقداری آب و امک ریخته بروی آتش بگذارید مقدار امک آن باید زیاد باشد زیرا ما کارولی مثل برنج در امک خوش نمیشود و در ضمن خودش هم کمی امک است.

پس از جوش آمدن آب، تالیاتلی را درسته بدون خرد کردن در آب جوش بریزید و در دیک را بگذارید و آتش آنها کم کنید تا بوزد.

امتحان کنید که پخته شده یا نه؟

یک نکه آنرا از دیک دور آورده بین دو انگشت فشار دهید اگر نرم بود که مایل برداشته است و کسر نه باید چند جوش دیگر بشورد.

هر قدر خمیر ضخیم تر باشد دیرتر پخته میشود، آبکش را در ظرف شویی یا روی انگلی قرار دهید و تالیاتلی را در آبکش بریزید تا آب آن برود. بقیه در صفحه ۱۳۴

جای خود بکنند و با آسمان ببرد اتفاق افتاده که گردبادی خانهها را چندین کیلومتر دورتر از محل اولیه سالم بر روی زمین گذاشته است.

اگر چه گردباد خرابی زیاد می آورد ولی غالبا کمی هوش از هم دانه دوام ندارد.

رنگین کمان از کجایی آید؟

هرچگاه دیده اید که چون نور آفتاب در کنار هوا و تمام رنگ اوار رنگی بوجود می آید؟ و یا آویزه های بلوری، اشک دار را دیده اید که در اثر تابش نور آفتاب آنها اوارهای رنگی ایجاد میکنند؟

این اوارهای رنگی در حقیقت رنگین کمان یا ارس ازج است.

نور آفتاب که بنظر شما ساده میرسد در حقیقت از یک عده اوارهای رنگین مخلوط است و ممکن است به حرف بنظر شما عجیب بماند.

ولی میتوان این اوارهای رنگی را از هم جدا نمود و مشاهده کرد.

بلورهای تراش دار یا آب زلال مهتوانند این رنگها را با ما نشان دهند.

گاهی که یک قطعه ابر در آسمان مهبارداگر خورشید در طرف دیگر آسمان باشد و نور آن به اطراف باران بتابد رنگ سادی مختلف نور در این اطراف منعکس شده و یک اوس رنگی در آسمان ظاهر میشود که آنرا رنگین کمان مینامند.

رنگهای این اوس بترتیب عبارتند از: قرمز نارنجی، زرد، سبز، آبی، سفید و بنفش.

و اما در یک طرف آسمان لکه آبی بسیار و خورشید در طرف دیگر آسمان باشد از اطق ابرون برود و رنگین کمان را در آسمان مشاهده کنید.

زلف شعر شاعران

بودن شمع در آغوش اسب
زلف زلف سبای توام آمد بهاد
رهنی معیری
دریشان زلف سهاست شاه اش باهم
ز آنچه گرسو باز که دیوانه اش باهم
حمید تقوی
دل در چرا کرد چاود
دریشان و سا دریشان آشنا بود
جلال اسیری
و عالمی از دریشانی
که باشد از سر زلف تو یادگار مرا
میر برهان
در چشمم دل گمشده ام را
انتم دروی دل جمع پریشان روزگاری
وقای نوری
گویی ز تو جان تازه میکند
سلمان ساوجی
خون شاهنشاهی گریه زین دل تنگ
شوم دست به موی تو کشم
داوری شیرازی

یاد آشنا

چو سالی روی شاخ زندگانی زرد
کوی تو بر لوح خاطر نقش گردیده
چون پروانه موسوم
اروان از دو دیده اشک
می ریزم
از مجمر آمت
زندانگی را لاله گون سازم
راقره گون سازم
شعله عشقت هوا خورد
بر آتش اشعار موهستی
همار من هستی
خرداد ۲۷ شوال، جمشیدی

مختصر شما

ثریا
تذوقیل گرفته فرانسی

پرده قلابدوزی

عموی من ، شواله دو ... در خانه کوچکسی الامت
داشت که از یکطرف یکوجه و توریل و از طرف
دیگر یکدشکاه « سنت اتوان » در لحوت دست کمی از آن
کوچه انداشت مشرف بود .
این این گردشگاه و خانه چند درخت کهنسال بلوط
که برزنده زنده گرم زده و نامرده حشره خوار شده بودند
و نسوی رات بار شاخ برگ ضعیف و پرمق خود را
مانند دست و بازوی اسکلتی از اعماق مقبره ای دخمه مانند
که یادوارهای سماه و مرتفع احاطه شده بود باسمان بلند
کرده بودند .

چند گل لاج و مردی هم مانند دختران جوان و مسلول
سرهای خود را از لوط ضعف و زسرا اسکند منظر نخستین
شعاع آفتابی بودند که آخرین رمق حیاتی برگهای پلاسیده
آنها را بخشکاند علفهای خود را آقدر در خوابا باها و نهاده بودند
که تقریبا تشخیص آنها را از دیگر نقطه تبع موهود و
معلوم می داشت که منتهای مدیریت است که هر خوابان را ک
دامی او شکشی ندیده است .

یکی دو ماهی لرمز در مهان حوضی که از خزه و چل و
زنج انباشته بود بجای شنا کردن مشغول جان کندن بودند .
عموی اتم چنین محوطه ای را (باغ خودش) می نامید .
علاوه بر تمام این نقص که در باغ عموی من موجود بود ،
عمارت کلاه فلکی نامبارکی هم در آنجا بنا شده بود که
وی لایه و همان دلیل که نام زنگی را کاوری گذارند نام آنرا
عشر نگاه گذاشته بود حقیقت آن است دو ستاره اتمال این
عمارت در اوج زوال بود دیوارهای آن همه شکم داده بود
لطعات بزرگ کج و گاه گل که مدتها پیش از دیوارهای آن
چند شده بر روی کنه ها و جوهای وحشی ریخته بود
همچنان برجا مانده بود در لسته های پائین سرتاسر
دیوار از کفکهای گردیده سبز رنگ پوشیده بود .

درها و درچه ها همه پخته و آماس کرده مانند مقاصل
قرسی ها یا فقط اندکی باز بسته میشد یا مطلقا هیچ .
یک نوع ظرف خاص که بسوار شوه و بدیک بزرگی
بود که پنجره های مختلف از آن متصاعد میشد مدخل
اصلی این عمارت را ریخت می پوشید زیرا در زمان لوئی
چهاردهم که ساخته این لایه بناها متداول شده بود معمولا
برای آنها از لحاظ احتیاط و مدخل . یکی اصلی و دیگری
باری موه ساختند .

مختصرا عشر نگاه عموی من شواله دو ... لایه
محنت باری بخود گرفته بود ،
این ساختمان جتن و فرسوده که متبوز بدلهای نامده
آثار تمارل و تپاهی هزارساله را برجین داشت که کجکاریهای
آن با التهام ضایع شده بود . که هرچند ام از سنگهای آن بر
جا مانده بود . بقیه در صفحه ۱

گذشته ... !

یکبار دیگر شب تاریک فرا رسیده و خاکستر روز
را بدست فراموشی و خاموشی سپرده است .
اوهای لطیف شامگاهی در پرتو نور لک ماهتاب .
دردا نه تاج درخشان روز را از گهسوان گلهای چمن پر مه دارند
ای گذشته ، ای گذشته خاموش ، ای گویستان روزهای
در خواب رفته ، تو کودال هستی که غمها و شادی های ما را
که روزگاری مایه تپش دل ما بودند در خود فرو مگیری و
چیزی از آنها باقی نگذاری
نهم شب . مهان شاخ و برگ درختان از زمزمه باز
ایستاده است پرندگان خاموش بر سر شاخه ها آهسته و آهسته
دور و دراز فرو رفته اند فقط چشمه ای دور دست ، آهسته
آهسته سردرگوش امواج امواج لطیف بهاده است و زمزمه
می کند
حال دیگر در خاموشی و آرامش نوبت خاطرات گذشته
فرا رسیده است . صدایی آهسته در گوش دل طنین می افکند
مثل اینست که کسی خاموش اشک مهریزد
مهریزد همه چیز می گذرد و فراموش موشود اما من
آزودم که تلخی خاطرات گذشته هرگز از یاد مبرود

شب مهتاب

شود آری که غباری بگذرگاه تو باشم
بوسه بر دات زلم خاک سر راه تو باشم
شب مهتاب که داری سر گلکشت و تماشا
لاله سرخ شوم زیب نظر گاه تو باشم
شوم آن چند شولی که سوزد تو در مرا
خود تو مه باشی و من هستی دلخواه تو باشم
شعله گرم گنه کردم و در جان تو گرم
چون پشه مان شوی آنگاه بلب آه تو باشم
خوشم از آذر عشق تو نور سوز تو آید
تا چو اسپند بلا گردد رخ ماه تو باشم
فرستنده - ر - فاضلی

دکتر سید حسین نوربخش
بیماریهای
داخلی - آمیزشی - طفلی
صبح از ۱۲ تا ۸
عصر از ۸ تا ۴
تلفن ۴۴۱۵
اول ننگ شمالی مقابل هتل علی زاده

فتو که مال الملک
عکاسی روزنامه خراسان
نیشابور - جنب دبستان گلشن

مشترکین محترم تاخیر
دریافت روزنامه را
بشماره ۵۰۰۰ اطلاع
دهید
۳۳۳۳ تلفن بخش سوانح
شماره ۴۳۵ صفحه ۳

((حسرت))
کس سوز و رنج تب دل هماره موزاد
چون چشمه ای که دامه کسار موزاد
هر دم هزار توشه زمناقم موزاد
چرخ میگرد خوشی چو پرگار موزاد
زان اشتهای که چرخ ستمکار موزاد
آنجا که دل زحسرت دیدار موزاد
ز آنکس که دم زعاطفه سپهر موزاد
صد طعنه بر لطافت ازهار موزاد
(فرصت شمار عمر گریزان عشق را
دوان در سرای تو یکبار موزاد)

نور خورشید

لذت دریا و تابش

آفتاب

درایع اصل پنجاه گرم و زمان تمطبات
سپهاری از مردم بطرف سواحل دریا و کرانه های
خزرجت رفع خستگی و تامین سلامتی روانی آورد
بدون آنکه توجه داشته باشند که در هر امری رعایت
اصول بهداشت و حفظ تندرستی لازم است
همانطور که آب و هوای دریا پنجاه درجه را
مقدار قابل توجهی است، اقلی هم در سلامت و حفظ
تندرستی ما دارد
و اصولا لازم است که از راه های طبیعی مقدار
مورد نیاز بدن ازین تامین گردد
اما سهارند کسانیکه وقتی بکرانه های دریا
میروند بدون رعایت هیچ احتیاطی بدن خود را در
معرض اشعه گرم و سوزنده خورشید میگذارند و
غایب معتقدند که آفتاب گرم کننده برایشان ضرورت
دارد.

در صورتیکه باید بدانند آفتاب همانگونه که
زندگی بخش و حیات دهنده است و دارای بعضی از
ویتامینهاست خطرناک و زیان بخش نیز میباشد
زیرا نور خورشید که منبع حیاتی وزنده
نگهدارنده موجودات است دارای اشعه مساوراء
و نفیسی میباشد و چنانچه این اشعه بیش از حد بدن
بماند عواقب وخیمی پدید خواهد آورد
خامها باید توجه داشته باشند که برای
پرزده کردن پوست باید بتدریج از نور خورشید
استفاده نمایند و هرچگاه نیاید بی مقدمه و مدت
زیاد بدن خود را در معرض تابش آفتاب قرار دهند
مسافر اینچنین نکاتی چند را جمع بطرز استفاده
صحیح از نور آفتاب را بنظرتان میرسانیم
۱ - در روزهای اولی که بکنار دریا میروید
بهر صورت روی شما دراز نکشید
کافی کنید که بدلتان عرق کند
این قطره های عرق هم پوست را محافظت می
کند و هم برنزه شدن را تسهیل مینماید
۲ - از گرمی طبی مخصوص کنار دریا
استفاده کنید و حتی بداهت درایع مورد واپزشک
مشورت نمائید
اگر بدلتان دچار سوختگی شد از مالیدن مواد
چرب بپوستتان جدا خود داری نمائید
بهرترین مساده اینکه در این حال میتواند
بپوستتان مالید آب لیمو ترش است
نهمی، اشعه مادون قرمز را که گرمایزدگی
تولید میکند با آفتاب سوختگی که در نتیجه اشعه
ماوراء بنفش است اشتباه نکنید
اگر آفتاب خیلی گرم است سایه پناه بگیرید
ولی فراموش نکنید که در سایه خورشید میتواند
ضایعات سختی بدلتان ایجاد کند
آب در اینجا موجب ناراحتی میشود اشعه
مادون قرمز خورشید است

در یک محوطه مسدود که تهویه خوبی ندارد
اشعه مادون قرمز تدریجا هوای گرم میکند و
اعصابتان را با اصطلاح میزند و این امر ممکن است
بحوالت غنی و اغماء تبدیل شود درایع مسود چند
لکته زیر توجه کنید
۱ - همیشه در نقاط استراحت کنید که جریان
هوا در آنجا بخوبی برقرار است
بخصوص هوچوات آنچه ها در یک اتومبیل یا
طاق در بسته نباید بماند
۲ - در صورتیکه یکی از نزدیکانتان بعلت
گرمایزدگی دچار غشی شد با او هیچ چیز ندهید بلکه
سرور و تشویق با آب سرد کنید
اما آب نباید خیلی سرد باشد و او را در محلی
بگذارید که جریان هوا کامل باشد
فراموش نکنید که خورشید هم دوست خوبی
است و هم دشمن سپهر خطرناکی

آب دریا

یکی از هدایای طبیعت آب دریاست که ۳ چهارم سطح
زمین را فرا گرفته و آبهای بکجهارم دیگر زمین که آنرا ریح
مسکون مینامند با آنها آمیخته و تمام اینها بهم اتصال دارند
آب دریا در زیر آبهای ریاست املاحش و هر روز
زمان درایع آب حل شده و آبهای ریح مسکون نیز املاح زمین
را در خود حل کرده و بتدریج و دریا ریخته است
پس در روی زمین آنچه املاح پیدا شود وجودش در آب
دریا حتمی است
حال اگر شما روزانه یک قاشق چایخوری آب دریا بنوشید
تمام املاحی که در زمین موجود است و بدن شما را آن ها احتیاج
دارد خورده اید
اکنون ۹۱ عنصر مفید و صدها ترکیبات مفیدتر در
آب دریا یافته اند شرط اساسی استفاده از آب دریا آنستکه
آب را لایق تصفیه نمائید
اوشیدن بیش از یک قاشق مریاخوری دارای اثرات
سوء بوده و نباید تجویز شود
زنان باردار میتوانند یک قاشق مریاخوری بنوشند
طریقه صحیح برنزه شدن
اگر میخواهید برنزه شوید به این برنامه صحیح و
بی خطر توجه فرمائید
این برنامه بحدی رسیده که بسیار دریا را اول
اجراست

روز اول

ده الی پانزده دقیقه
زیر چتر آفتابی دراز بکشید
تا نقاط پاها و قسمت پائین ران ها آفتاب بخورد
البته نه بیش از ده الی پانزده دقیقه
روز دوم
دستور روز اول را تکرار کنید
با این تفاوت که سایبان چتر را طوری کنار بزنید
که پاها و ران ها و قسمت شکم در معرض تابش آفتاب
قرار گیرد
البته به مدت ده دقیقه جهت است چتر را طوری کنار
دهید که آفتاب عمودی بر شما بتابد
روز سوم
مدت ده الی پانزده دقیقه قسمت از کمر و پاها و بدن
خود را در معرض آفتاب قرار دهید

روز چهارم

زیر چتر آفتاب طوری قرار گیرید که بالاتنه بدن
سرور شود شما ده دقیقه، پائین بدن بیست دقیقه، قسمت
رانها هم ساعت و ساقها پنجاه دقیقه آفتاب بگردانید
روز پنجم
سرور و تفریح را در آفتاب قرار دهید
ولی نه بیش از ده دقیقه، قسمت بالاتنه را ۲۰ الی
۳۰ دقیقه و پائین بدن و پاها را مدت یکساعت آفتاب بدهید
مقاومتتان نسبت به سایر قسمت های بدن بیشتر است از
سرز او تا رانها حساسیتشان در برابر آفتاب بیشتر است
حساس ترین جاهای بدن در برابر تابش آفتاب
عبارتند از سر، پس گردن و قسمت ستون فقرات
برابر دستورات بالا میتوانند بدون آنکه خود را در
خطر آفتاب زدگی قرار دهند برنزه شوند
یعنی از پاها شروع کنید بطرف سر بروید و از سر
دوباره بطرف پاها برگردید
این طرز آفتاب گرفتن مانع میشود که خون به مغز
هجوم آورد
اگر این برنامه پنج روز را بطور دقیق تکرار کنید
در روزهای بعد خواهید توانست مدت حمام آفتاب خود را
بچهار ساعت برسانید
ولی برای اینکه باید چیزهای بیشتری بدانید
و دانست لایق ذکر دهیم که هر کس رنگ بدنش سبزه
سور و یا آبی است احتیاجی به برنزه شدن ندارد ضمنا
این مقررات را بوزن رعایت کنید
۱ - در استخرها یا دریا هرگز بحال خوابنده روی
تشک های پلاستیکی که روی دریا شناورند آفتاب نگیرید
زیرا اشعه ماوراء بنفش خورشید را سطح آب به
نحوی فوق العاده لوی منعکس میکند
این انعکاس اور در آب های شور بیشتر از آب های
شورین است
از این گذشته هرگز نباید داغ یک مرتبه از روی
تشک بدخل آب بپرید زیرا ممکن است به نحوی بسرق آسا
بشوید

۲ - اگر روی چتر آفتاب گرفته اید از
وحشتی نداشته باشید زیرا چون اشعه های
انعکاس نموده
بمکنه برعکس سردتر هم میکنند ولی
بر اثر خوابیدن روی چترهای مرطوب سرما بخورد
است بگو یا پارچه های زیر خود بکشید
۳ - برای گرفتن حمام آفتاب صندلی های
همه بهترند
زیرا صندلی آفتاب دیدن بدن از زیر
سایه است هوای تازه دریافت می کنند درایع هوا
حرارتش خیلی تجاوز نمی کند
۴ - ماسه ها خیلی خطرناکند
چون تنها اشعه های ماوراء بنفش در
انعکاس نمی دهند بلکه اشعه های آبی را
هم دارند اشعه را در خود مخفی می کنند
خطرناک و مسموم است که روی ماسه های
حالا که از مضرات آفتاب سخن گفتیم
فوائدش این نکاتی یاد آور شویم
آفتاب تندرستی میدهد و شفا می بخشد
آب تنی در سواحل آفتابی بدن را تندرستی
دوچندان می کند
بهره برداری از آفتاب به خوبی
از جمله به اینکده، این بهره برداری کمی
انجام شود
شما چه سنی داشته باشید سلامت
باشد یا مریضی و موسیما، حتی در زن
فرق می کند
زیرا معمولا زنها طور متوسط است
مردها میتوانند تابش خورشید را تحمل
بهره برداری از آفتاب به خوبی
لاغر را رنج می برد و مثل لیورس می شود
اگر آفتاب بدن شما را سوزانده
معمولی هرگز گرم مالی نکنید بلکه بپوشید
ولی بهترین کار اینستکه یک قاشق
قسمت های آفتاب سوخته بمالید اینکار
است ولی بیشتر فایده دارد و التیام
ببخشد

سازنده لوازم خانگی



تلفن ۸۱۸۱

ایرنامه حرمت

قطارهای مسافر

قطار عادی حرکت از تهران همه روزه
دلته ورود به مشهد ساعت ۷ روز بعد
حرکت از مشهد همه روزه ساعت ۷
دلته ورود به تهران ساعت ۸/۵

کلاسهای کنکور (تربیت معلم -
دانشکده ها) و کلاسهای تجدیدی و تقو
دانش آموزان دبیرستان ها و متفرقه
در گروه فرهنگی البرز
دایر است نشانی کلاسهای بانوان و
دبیرستان دهخدا تلفن ۹۱۳۱۳
نشانی کلاسهای پسرانه خیابان
گل سرخ تلفن ۹۱۳۱۵

صفحه ۴

در برابر خدا

رود گرم

بقیه از شماره قبل
 ولتی سکوت ما کمی طولانی شد گفت
 - چراغ را اینجا خواهم گذاشت و خودم پائون در
 ایوان منتظر خواهم شد
 هر وقت آماده شدی پائون بیا
 آقا برداشتم تا راه را پراش روشن کنم ، اما مثل
 باد از لطاق برون چست و پائون رفت
 لباسهایم را در آوردم
 بعد دست و صورت را شستم و یکمک صابون و پس
 گرد سفر را از تن و لباس خود زودم
 در کنار دستشویی چند حوله ظریف آویزان بود
 یکی را برداشتم و دست و صورت را خشک کردم
 سرم را هم شانه زدم و دستمال تمیزی بچوب گذاشتم . آولت
 در را باز کردم و برای پوستین همزمانان خود از
 چلهکان سرانیز شدم
 پدرش در ایوان نشسته بود ، ولتی مرا دید برخاست
 و یک صندوقچه بجه تمارف کرد ،
 « گرچه » هم راها برای من کشود و من به آن
 در قرار گرفتم
 اما لحظه ای بعد صندوقچه را از دیکم آورد و با خوشرویی
 بهشالم نگرینتم گرفت
 پدرش پرسید
 - ظاهرا این اولیو سفر شماست که باین سواری
 کوهستانی می آید . اینطور نیست ؟
 گفتم - همینطور است . من حتی تا یکصد مایلی این منطقه
 هم نرفته بودم
 زندگی ما همیشه در شهرهای کنار دریا می گذرد و
 طبعاً آب و هوایش با اینطور مناطق کوهستانی خیلی فرق میکند
 « گرچه » گفت
 - چاره مدتی در شهر « اورلوک » زندگی می کرد
 و تبار این آب و هوای شهرهای کنار دریا هم آشنائی دارد
 پدرم پرسید در آمد
 - راست است . در حدود سه سال متوالی آنها بودم
 سه سالی که چقدر عجیب و طولانی گذشت . . .
 منتظر شدم تا بقیه داستانی را ادامه دهد و یکم تبه
 ساکت شد
 مثل اینکه هواد خاطرهای افتاد ، حالت تفکر آمیزی
 بخود گرفت و سهولت اندکی درهم فرو رفت . « گرچه »
 آهسته بطرفم خم شده و گفت
 - پدرم سرمکالک است و در قسمت تهمه نگاه راه
 آهنگار میکند
 هر وقت بتواند میتواند خود را به یکی از شهرهای
 مسور راه آهنگار انتقال دهد
 پس از یکی دو دقیقه که مدتی طولانی در نظر
 چاره گز شد پدرم بگفتار خود ادامه داد
 - من در دوران زندگی خود در بسیاری از شهرها بودم
 ولتی تنها مدتی که در آنجا بودم و مهل ندارم از آنجا
 بهرون بروم همین جاست
 اولین مشوایی که بندهم خطور کرد این بود که چه
 این منطقه ساکت و دورالتساده را بهمه نقطه عالم
 ترجیح داده اید
 اما فاکتور منوجه شدم که سکوت ایهام آمیزی
 منحل ما حکم فرماید
 پدر و دختر بطرز عجیبی در سکوت و تفکر
 رفته بودند
 مثل اینکه تجدید خاطرهای آنها را می آزارد و
 در آن حیوان نظور بهنگامه و ناشناسی صامت و بی حرکت
 نشسته بودم
 بعد طررتوت از او داستان خود را ادامه داد ، ام
 زاینبار روی سخنش به یک از ما بود
 و متغله ای از آن وادی عمیق و ناپیدا نگاه میکرد
 با خودش حرف میزد
 چا شور و هیجان بسختی اش گوش کردم
 گرچه بازم صدای او را نزدیکتر آورد
 گرچه حرف میزد
 اما بهر حال بود که احساسی لوی او را در هرگز
 صابجا حرارت آب رود بطور محسوس بجااب ما مرا
 بهست و صوت مامخورد
 ناامام

اوامر او را اطاعت کرده ای و عشقهای
 شیطانی را پذیرفته
 هر لویکی را به بندگی و هر محبتی را با
 دشمنی و خشونت یادش دادی
 کسانی که بخاطر آب نزد تو آمدند با
 لبان تشنه و خشک بازگشتند
 آنهایی را که ترا پناه داده بودند بهنگام
 کسب قدرت و رحمانه بدست دژخوم سپردی
 دشمنانی را که بر تو رحم آورده بودند
 در کوهنشان اشستی و آنها را بسلام انداختی
 دوستانی را که با تو در یک راه قدم گذاشته بودند
 به بهای ناچیزی فروختی
 آنها را که عشق حقیقی بتو عرضه داشتند
 وسوله دلق شهوت ارار دادی
 مرد بار دیگر جواب داد
 اعتراف میکنم
 خداوند دلق اعمال او را بست و فرمود
 و سایر ترتیب باید ترا به جهنم بفرستم
 مرد فریاد بر آورد
 - خدایا ! بیا این مرا به جهنم بفرستی
 خداوند پرسید
 - بچه دلبل ؟
 مرد با همان صدا جواب داد
 - برای آنکه من تمام عمرم را در جهنم
 گذرانده ام
 سکوت مطلق در سراسر کاخ عدل الهی برقرار
 شد
 پس از لحظه ای خداوند فرمود
 - بنابراین باید ترا به هشت بفرستم
 - نه ، هرگز خداوند نباید مرا به
 هشت بفرستی
 خداوند پرسید
 - بچه دلبل ؟
 مرد جواب داد
 برای آنکه هرگز در تمام دوره زندگی با
 تمام لذایذی که داشتم حتی یک لحظه نتوانستم بهشت
 را در نظر مجسم کنم
 بار دیگر سکوت سراسر کاخ با عظمت الهی
 را فرا گرفت

در سراسر کاخ با عظمت الهی سکوت برقرار
 بود ، مرد برهنه ای را به پیشگاه خدا آوردند ،
 خداوند دلق اعمال او را باز کرد و آنگاه گفت
 زندگی تو همه گناه و شرارت بود ، با
 آنها که احتیاج یکمک و دستگیری تو داشتند به
 خشونت و بهرحمی رفتار کردی و اسبت به ای
 پناهان شقی و بی عاطفه بودی
 بهچارگان دست نواز بجا بخت دراز میکردند
 ولی تو دعوت آنها را اجابت نمیکردی و بآنان
 پاسخ نمیدادی
 گوشه ای تو کر شده بود و صدای فریاد
 مبتلایان مرا در جهان نمی شنیدی
 تو مال بقرمان را از دستشان می ربودی و
 تصاحب میکردی
 اموال همسایگان را بتاراج می بردی و به
 مزارع و املاک آسمان دست می انداختی ، نان
 بچه های گرسنه و بی کس را می گرفتی و بهسکهای
 خودت میدادی
 بهماران بی پناه مرا که در کثیف ترین
 جاها زندگی می کردند و باز شب و روز بدرگاه
 من اشک می ریختند
 از محل زندگی خود مهراندی و آنها را
 آواره دشت و بیابان میکردی
 بر روی زمینی که متعلق بهم بود و من
 ترا از آن خلق کرده بودم ای گناهان را رنج
 میدادی و خون آنها را بتحاق می ریختی
 مرد گناهکار پاسخ داد
 - خداوند ، اعتراف می کنم ، همه اینکارها
 را کردم
 خداوند اعمال گناه آلود او را اوراق زد
 و باز به صفحه ای رسید و دست نگهداشت و گفت
 چه زندگانی گناه آلود و شرم آوری که
 تو داشته ای
 زیبایی هایی را که در جهان برایت خلق
 کردم نادیده گرفتی
 در دیوار اطاق خودت را با تصاویر و
 نقاشی و نگاره های دیگر تزئین نموده ای و از بهترین
 گناه آلود و اعمال شهوت پنداری ساز و طرب با
 شادی و مسرت پر می خواستی
 تو بی سگانه گناهایی را که مورد لعنت
 من بود و از آنها رنج می بردم هفت محراب ساخته
 بودی و هر چه را که خوردن و نوشیدن آن منع
 شده بود می خوردی و می نوشیدی
 بر جامه رنگین همه جا علائم شرم آور
 گناهان و جنایات هویدا بود
 تو به تنهایی برای خودت ساخته بودی این
 بت ها از نقره یا زر ناب نبودند که لالایی والی
 بمانند ، اینها از گوشت فاسد شدنی و فلز ناپذیر
 بودند ، بر گوسوان این بت ها عطر های روح
 پرور می افشاندی
 پامای این بت ها را با زعفران هندی مالش
 میدادی و بزیر بال و دمشان فرهای گرانها میکشیدی
 و در برابر ایشان چنان تعظیم می کردی که پیشاهوت
 زمین را مسود
 سرین این بت ها در برابر آفتاب لرار
 داده بودی تا مظهر گناهان شرم آورت را به
 خورشید تسارن و نمایانی و جنون و دیوانگی
 زندگان را بهام درخشان نشان دهی
 مرد جواب داد
 اعتراف می کنم
 خداوند برای بار سوم دلق اعمال او را
 ورق زد و گفت
 چه زندگانی گناه آلود و شرم آوری که
 تو داشته ای
 وای بر تو که همیشه بهرو و دوست شيطان
 بوده ای

از آلتنامی موسی بن جعفر علی السلام
بیمارستان موسوی
 سرورس جراحی عمومی شیکته بندی و چشم پزشکی
 بیمارستان موسوی
 بهست ترین شرایط بیماری پیدا
 خیابان تهران
 در کجاگاه شماره روزی بیمارستان در تمام ساعات شبانه روز
 ش ۳۵۰۶

هتل شهرداری سیروار
 مجهزترین هتل در استان خراسان اطاقهای
 مبله با تنوع مطبوع و حمام ، سانهای غذاخوری
 عمومی و خصوصی ، پارکینگ اتومبیل ، بهترین
 چلوکباب ، بهترین غذای لرنگی و ایرانی
 آماده برای برگزاری مجالس جشن و عروسی
 یک توقف کوتاه در هتل شهرداری سیروار یک
 خاطره فراموش نشدنی
 ش ۳۳۰۹

گرفته ایسد از
 های
 میکند ولی
 طوب سرما
 کند
 اب صندلی ها
 ن از زین
 نند در این مو
 اوراء بنفش
 چنی که آب را
 کند
 ی ما سه ای
 گفتم
 می
 شفا می بخش
 و دن را تقویت
 خول
 ری کی
 ری کی
 بد سلامت
 حقی در زن
 متوسط
 تحت
 خ مشوایی
 ا سوزانده
 بلکه بود
 که یک
 اینکار
 تمام
 اوزی
 ارد
 ان
 ۱۸۸
 ۱۹۹
 ش
 مسافر
 همه روزه
 ۳ روز بعد
 ۸/۵
 روزه
 بیت معلم
 تجدیدی و تق
 ن ها و متفرقه
 ی البرز
 ای بانوان و
 ن ۹۱۳۴
 انه خیابان
 ۹۱

ماهرخ دختر یکه حاضر شده بود قلبش را در

اختیار دکتر بار نارد بگذارد در بیمارستان جان سپرد ماهرخ در وصیت نامه خود نوشته بود من که رفتم ولی بفکر جوانان دیگر یکه مبتلا هستند باشید و آنها را نجات دهید

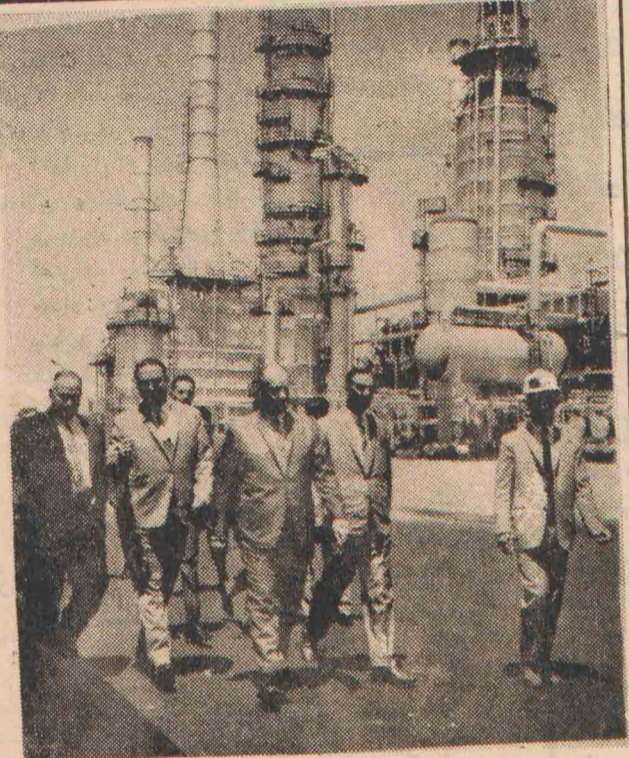
● ماهرخ مستوفی دختری که حاضر شده بود قلبش را بخاطر نجات انسانی از مرگ در اختیار دکتر بار نارد جراح معروف قلب چوان بگذارد ، در آسایشگاه شاه آباد شیران در گذشت . . .

هنکام مرگ وصیت نامه ای بر والی نوشتار دیده میشد که در این وصیت نامه نوشته بود :
مدتها بود که از زندگی دل بریده بودم ، اما شما مردم خوب شهر مسیح محبت را بهم آموختید و من در این مدت کوتاه زندگی شیرینی روی تخت بیمارستان داشتم ، از شما ممنوم . . .

حال ماهرخ از یک هفته قبل روز و خاتم گذاشته بود و پزشکان بیمارستان در این مدت او را زیر چادر اکسژن با تنفس مصنوعی زنده نگاه داشته بودند سرانجام بعد از یک هفته تلاش صبح پیرروز ماهرخ تسلیم مرگ شد .

او دوریه خود را از دست داده بود و یک هفته پزشکان احتمالاً امکان داشت که در خارج تحت عمل جراحی قرار گیرد و از مرگ نجات یابد

ولتی خبرنگار ماهرخ در جراید منتشر شد صد ها نفر از افراد لیکوکار کشور برای نجاتش تلاش برداشتند تا با جمع آوری پول ، هزینه سفر او را بخارج فراهم کنند .



استانداران عراقی که به منظور بازدید از پیشرفت های مختلف کشور ما بایران آمده اند از پالایشگاه تهران دیدن کردند

دبیرستان ملی ابوسعید وابسته بگروه فرهنگی طوس ۳۳۰

معاون دفتر مخصوص شاهنشاهی در گذشت

● با کمال تأسف اطلاع یافتیم که آقای ابراهیم عاصمی (رفعت السلطان) معاون مخصوص شاهنشاهی شب چهارشنبه ۳۳۰ گذشته در بیمارستان بعراضه سکنه قلبی در گذشته است .

لقد سمعنا من بعد از آغاز سلطنت امیرحضرت رضا شاه که در دفتر مخصوص شاهنشاهی وارد خدمت گردید و آخرین سمت او معاونت دفتر مخصوص بود .

مرحوم عاصمی مسردی خدمتگزار بود و صادقانه در تمام مدت عمر در دفتر مخصوص شاهنشاهی مچری لوات شاهنشاهی آریا مهر و رضا شاه که در خدمت او مورد توجه مخصوص شاهنشاهی قرار داشت .

ضایعه در گذشت آمرحوم را بخاواده عاصمی و دربار شاهنشاهی و دفتر مخصوص شاهنشاهی تسلیت موکوثم .

مراسم تشويع جنازه آن لقدم سمعنا دیروز ساعت ۹:۵ صبح از مسجد مجید برگزار گردید

تلویزیون رضائیه بکار افتاد مردم رضائیه از برنامه های

تلویزیون دیدن کردند در صفحه ۴

یک نسخه خطی شاهنامه در لندن به باغ ۹۰۰ هزار

تومان فروخته شد

لندن - یونایتد پرس - و جلد آن طلا کوب و پرک یک نسخه خطی بی نظیر از شاهنامه فردوسی در روز لندن (۹۰۰ هزار تومان) در یک حراج فروخته شد

این کتاب که به سالهای (۸۱۵ تا ۸۱۹ هجری شمسی) نوشته شده بود ۵۵۵ برگ دارد

لندن - یونایتد پرس - و جلد آن طلا کوب و پرک یک نسخه خطی بی نظیر از شاهنامه فردوسی در روز لندن (۹۰۰ هزار تومان) در یک حراج فروخته شد

این کتاب که به سالهای (۸۱۵ تا ۸۱۹ هجری شمسی) نوشته شده بود ۵۵۵ برگ دارد

این شعر را آقای ابراهیم صهبای شاعر خراسانی سروده در انجمن قلم خراسان قرائت نمودند از ابراهیم صهبای

انجمن قلم

کسب که مرد کمال است و صاحب الم است
هر کجا که رود سر فراز و محترم است
درود باد به اهل الم هزار درود
که هر چه حرمت آنها افزون کنند کم است
اگر که شعر و هنر خاطر بی بسازد شاد
جهان بدیده دانا سرای رنج و غم است
بجمع اهل الم گر تو را گذار افتد
هوش باش که ز می عزیز و منتقم است
شکفت هست که این انجمن جهانی شد
از آنکه مرکز دانش و مخزن درم است
جهان بهشم وزرگی کند نگاه در آن
که خود مخالف عدل و مخالف ستم است
بسی اثر که از این انجمن شده حاصل
که بر صفحه ایام جاودان رقم است
هزار انجمن اندر جهان پدید آید
ولی سر آمد آن ها محال الم است
بلاطف و مرحمت شهربار و شهسوار
وراه شعر و ادب سر فراز ملک جم است

واردین

آیت الله امام جمعه اصفهانی بقصد زیارت مراد پهلوی حضرت امام الائمه علیه السلام بمشهد وارد شد و در منزل آقای حاجی مقدس زاده منزل کرد

شماره مسلسل ۴۳۵ سال هفتم شماره جدید ۲۰۱ شماره ۵۲۸۵ شنبه ۱ تیر ماه ۱۳۴۷ تکفروشی در تمام کشور ۳ ریال سالیانه ۱۵۰ ریال

دویست کیلو خاویار اعطای شهبانوی ایران

در شماره دیروز خبری در مورد بذل مساعدت لیا حضرت شهبانوی ایران است یک دوکان چنگ تمام چای شده بود که متاسفانه در مقدار خاویار طایعی علی حضرت شهبانوی اشتباه چاپی صورت فته بود

اینک توضیح داده میشود که شهبانوی ایران بار دویست کیلو خاویار برای کمک یک دوکان بود اعطا فرموده اند

ساعت ۱۱ با...
نقصت وز...
ی هوسدا...
ایومسا...
ساعت ۱۱...
عراق...
رود گاه...
اسان و...
شکر مخاط...
بوشی اعتما...
ساندار مش...
بران کل و...
دریای...
ش آمد اظهار...
مسافرت...
سط روابط...
دی خواهد...
م...
ولنت کاملی...
لمان و...
د وجود آ...
ماه آریا...
د روابط...
تومسار...
ای بیرون...
از احسا...
با نظور...
را مسکتر...
مهوری ع...
شاه آریا...
لقدنر ما...
هم که ماد...
انج الدر...
شهر